

فصلنامه

# خانه موسیقی ایران

سال سیزدهم - شماره ۵۰ - تابستان ۱۴۰۲



- گزارشی از برگزاری کارگاه‌های موسیقی - مرداد و شهریور
- برای مردی شریف که زندگی‌اش را وقف موسیقی کرد
- موسیقی فلامینکو
- تاثیر هوش مصنوعی بر آینده موسیقی ایران و جهان





## فهرست

- برگی تازه/ ۲  
گزارشی از برگزاری کارگاه‌های موسیقی - مرداد و شهریور / ۳  
گفت و گو با حمیدرضا نوربخش / ۱۲  
برای مردی شریف که زندگی‌اش را وقف موسیقی کرد / ۱۴  
گفت و گو با حسین بهروزی نیا به بهانه مستر کلاس عودنوازی و گروه نوازی / ۱۹  
گفت و گو با فریدون شهبازیان / ۲۲  
موسیقی فلامینکو / ۲۵  
تاثیر هوش مصنوعی بر آینده موسیقی ایران و جهان / ۲۸  
مروری بر نخستین دوره برگزاری درس آهنگ / ۳۰  
درگذشتگان تابستان ۱۴۰۲ / ۳۲

### فصلنامه داخلی خانه موسیقی ایران

سال سیزدهم - شماره ۵۰ - تابستان ۱۴۰۲

سرمدیبر: حمیدرضا عاطفی

دبیر تحریریه: غزل نهانی

همکاران: اعضای هیئت مدیره کانون پژوهشگران

ویراستار: صبا بهداد

مدیر هنری: افشین ضیائیان

گرافیک و صفحه‌آرایی: لیلی اسکندرپور

توزیع: سیدجواد موسوی‌زاده

خانه موسیقی شماره ۱: خیابان فاطمی غربی - نرسیده به جمالزاده - شماره ۲۷۰ - تلفن: ۶۶۹۱۷۷۱۱

خانه موسیقی شماره ۲: میدان فاطمی، ابتدای خیابان شهید گمنام، خیابان جهانمهر، نیش بوعلی‌سینای غربی - تلفن: ۶۶۴۸۲۰۷۴

[www.iranhmusic.ir](http://www.iranhmusic.ir)

\* دیدگاه نویسندگان فصلنامه الزاماً مبین موضع رسمی نهاد خانه موسیقی نیست.



\*حمیدرضا عاطفی

## برگی تازه

مسئولیت مسئولان و مدیران فرهنگی را بیش از پیش گوشزد می‌کند که باید برای ایجاد امکانات این عزیزان به فکر باشند تا از این استعدادهای درخشان بهره‌مندی مناسب به دست یابد که قطعاً موجبات افتخارات ملی خواهند شد.

بخش پایانی این فستیوال که قرار است اواخر مهرماه سال جاری برگزار شود برگزارندگان این پنج گروه سنی توسط هیئت داوران انتخاب خواهند شد.

در تابستانی که گذشت متأسفانه چند هنرمند برجسته را از دست دادیم؛ هنرمندانی که برای نسلهای متوالی خاطره ساز بودند و حضور و فعالیت شان مایه‌ی برکت و اعتلای فرهنگ شنیداری ملت ایران بود. بانو پروین که با آهنگ‌های زنده یاد همایون خرم خوش درخشید و با غوغای ستارگانش غوغایی جاودانه به پا کرد، روحش شاد و یادش گرامی و نیز استاد محمد اسماعیلی که در تنبک نوازی و تربیت چند نسل تمبک نواز نقشی تاریخی ایفا نمود و با پایمردی و فتوت بسیار سرمشق و الگویی بی نظیر برای شاگردان و علاقه‌مندان بود.

برای این استاد برجسته نیز آرامش ابدی آرزو نمودیم و امیدواریم راهش پر رهرو و سبز و مانا بماند...

و اما بعد از مصیبت‌های مکرر از جمله هجوم ویروس منحوس کرونا و اتفاقات تلخی که مانع از اجرای برنامه‌های سالیانه خانه در این چند سال اخیر شد امیدواریم در سال جاری و پس از فروکش کردن این بلاها و آرامش نسبی بتوانیم برنامه‌های عقب افتاده و اجرا نشده‌ی خانه را به اجرا برسانیم.

برنامه شب موسیقی که به مناسبت سالروز تاسیس خانه حدود بیست دوره برگزار شده از سال ۱۳۹۸ معطل مانده است و نیز نمایشگاه سازخانه که سه چهار دوره‌ی آن برگزار شده چند سالی است که به محاق رفته است و این دو برنامه‌ی ارزشمند از جمله برنامه‌های معوق شده‌ی خانه است که امیدواریم تا پایان سال به اجرا برسانیم.

\* سردبیر

بدون شک تابستان امسال، برای خانه موسیقی تابستانی استثنایی به شمار می‌رود چرا که سرفصل تازه‌ای در کارنامه دو دهه‌ای این نهاد تخصصی گشوده شد. برگزاری مستر کلاسها یا همان کارگاههای تخصصی بالاخره به همت عده‌ای از همکاران و استادان برجسته در رشته‌های مختلف اتفاق افتاد و خوشبختانه با کیفیت قابل قبولی اجرا شد.

در این اجراها برای اولین بار به صورت حضوری و آنلاین مشتاقان و علاقه‌مندان کارگاهها ثبت نام کردند و از نکات و مباحث آموزشی در حوزه‌های نوازندگی، آهنگسازی، سازسازی و فلسفه‌ی موسیقی و صدا بهره‌مند شدند.

این اتفاق خجسته را باید به همه‌ی دست‌اندرکاران و استادان و هنرمندان تبریک گفت ... امیدواریم با استمرار این کارگاهها قدم مهم و بزرگی در حوزه‌ی آموزش و روشنگری ابهامات آموزشی برداشته شود و به تبع آن از انحرافات و سستی‌هایی که در این حوزه وجود دارد ممانعت به عمل آید.

تجربه‌ی همین دوره نشان داد که علاقه‌مندان بی شماری در بخش‌های مختلف آموزش حضور دارند که تشنه‌ی آموختن هستند ولی متأسفانه در فضای مشوش آموزشی که بویژه شبکه‌های مجازی بدون نظارت به آن دامن می‌زنند، هیچ منبع و مرجعی قابل اطمینانی وجود ندارد و خانه موسیقی می‌تواند این خلاء آموزشی را به خوبی پر کند.

فستیوال پیانوی کلارا نیز که اجرای هشتمین دوره‌ی آن را خانه موسیقی عهده دار شده است یکی دیگر از اتفاقات خوب اجرایی در خانه موسیقی بود که با حضور دهها علاقه‌مند و متقاضی شرکت در این رقابت در پنج گروه سنی در خانه هنرمندان اتفاق افتاد و سطح کیفی نوازندگان به حدی بود که موجبات حیرت مخاطبان و شنوندگان شد.

اجراهای بسیار خوب و زیبایی کودکان و نوجوانان در این برنامه مایه‌ی خرسندی و امیدواری است و نشان می‌دهد که در این حوزه چقدر استطاعت هنری ایران بالاست و بدین سبب

گزارشی از برگزاری کارگاه‌های موسیقی - مرداد و شهریور

## جلوهای از شور و شغف آموختن

اشاره:

نخستین دوره کارگاه‌های تخصصی خانه موسیقی با استقبال خوب مخاطبان و مدرسان حوزه‌های مختلف در مرداد و شهریور ماه سال جاری برگزار شد. در این کارگاه‌ها که به صورت آنلاین نیز پخش شد، هریک از استادان به تدریس موضوع اعلام شده پرداخته و در دومین جلسه به پرسش‌های حاضران و غایبان (مخاطبان آنلاین) پاسخ می‌دادند.

این کارگاه‌ها یکی از تجربه‌های ارزشمند تدریس موسیقی درست و اصولی بود که امیدواریم در ادامه و استمرار برگزاری آن تأثیرات خوبی در حوزه تدریس داشته و اعتلای موسیقی کشور را در پی آورد.

در ادامه گزارشی از برگزاری یازده کارگاه تخصصی خانه موسیقی می‌خوانیم:



آهنگسازی ایرانی، چند صدایی در موسیقی ایران و اهمیت پرورش ملودی و پدیده ریتم ادامه پیدا کرد.

فریدون شهبازیان در مبحث نوشتن موسیقی ارکسترال ایرانی به مضامین رنگ آمیزی و سازشناسی تأکید ویژه داشتند و مثال‌هایی پیرامون این موضوع بیان کردند که برای ذهن حاضران راهگشا بود. شناخت بالای هنرجویان آهنگسازی از اصول پایه‌ای نوازندگی در ارکستر و آنسامبل ایرانی از دیگر ویژگی‌های مورد تأکید ایشان برای یک آهنگساز بود.

بخش پایانی این ماستر کلاس به پرسش و پاسخ اختصاص پیدا کرد. پرسش‌هایی پیرامون سبک و تئوری شخصی فریدون شهبازیان در خلق آثار و نیز جهان بینی هنری او در ساخت تعدادی از قطعات موسیقی..

**دومین جلسه از کارگاه تخصصی فریدون شهبازیان به بررسی و تحلیل و آنالیز دو آلبوم «جام تهی» و «گریز» گذشت.**

آلبوم جام تهی با صدای «محمد رضا شجریان» یکی از شاخص ترین آثار ارکسترال ایرانی است که اوایل دهه پنجاه بر

**۱. کارگاه‌های تخصصی خانه موسیقی با حضور فریدون شهبازیان شروع شد.**

در اولین روز تعدادی از علاقمندان موسیقی گرد هم آمدند تا در مورد مبانی آهنگسازی از زبان فریدون شهبازیان ناگفته‌ها را بشنوند.

فریدون شهبازیان در ابتدای این کارگاه تخصصی پیرامون تجارب شصت ساله خود در حیطه موسیقی ارکسترال ایرانی و سبک شناسی آهنگسازی ایرانی صحبت و سپس به اهمیت دوچندان کیفیت عواطف هنرمند در بیان موسیقایی و در قالب نت‌ها اشاره کرد.

شهبازیان عامل رشد کیفیت آثار موسیقی را جز به یاری صرف موسیقی ندانسته و به اندیشه ورزی در این حیطه و آزادی ذهن آهنگساز از هر گونه فیود دست و پاگیر تأکید داشتند.

توصیه‌هایی پیرامون تمرین‌های ضروری برای آمادگی و ورزیدگی ذهن آهنگساز و ممارست و نظم در شنیدن آثار درجه یک ایرانی و جهانی برای بالا بردن سطح سلیقه آهنگساز از دیگر موضوعات بیان شده در این جلسه بود.

مباحث کلاس با مجموعه توضیحاتی پیرامون مبانی اصولی

پس از آنالیز فنی آلبوم جام تهی، شهبازیان از آلبوم «گریز» به عنوان پروژه دیگری از مجموعه گلها یاد کرد که با صدای نادر گلچین منتشر شد و دارای خصوصیات مشابه با جام تهی اما دارای رنگ متفاوت و فضای لطیف بیات اصفهان و نقش محوری تار فرهنگ شریف است. مباحث فنی پیرامون ویژگی‌های ریتمیک و ملودیک و ارکستراسیون این اثر و نیز نحوه انتخاب شعر و بهره‌گیری صحیح از صدای خواننده در جهت پیشبرد اهداف ملودی از دیگر بخش‌های این کلاس بود.

## ۲. احتمالاً کسی تصور نمی‌کرد برپایی یک دوره پیانو نوازی با استقبالی بی نظیر مواجه شود.

دوره‌ای با حضور پروفیسور کلارا بوکوچاوا، دارای مدرک استادی از کنسرواتوار تفلیس، بانویی که تمام هدفش آموزش پیانو به کودکان و نوجوانان و دیدن لحظه لحظه رشد و پیشرفت آنهاست

مستر کلاس «چگونه درس دادن پیانو را آغاز کنیم» با تدریس پروفیسور «کلارا بوکوچاوا» و با حضور تعداد زیادی از هنرجویان و مدرسین پیانو در روزهای ۲۱ و ۲۸ مردادماه در خانه موسیقی برگزار شد.

«کلارا بوکوچاوا» از مدرسین مطرح ساز پیانو با متد روسی است که بیش از بیست سال در ایران به برگزاری کلاس‌ها و فستیوال‌های پیانو پرداخته است. او طی دو جلسه کارگاه تخصصی که در خانه موسیقی ایران برگزار شد، به صورت کاملاً تعاملی به تشریح متد روسی تدریس پیانو و اصول و مبانی آن پرداخت. وی در ادامه از دلایل شهرت متد روسی و فواید تدریس با این روش و نیز نتایج آن در دنیا صحبت کرد.

خانم کلارا کارگاه را با معرفی کتاب‌ها و تالیفات پیرامون روش تدریس روسی آغاز کرده و بعد از آن به آموزش مبانی اولیه

روی شعر نو ساخته شد و جزو درخشان‌ترین آثار موسیقی معاصر به شمار می‌رود. اثر «گریز» نیز با صدای نادر گلچین با سبک و سیاقی مشابه در همان سالها به مخاطبان عرضه شد که از جمله پروژه‌های دوران دانشجویی شهبازیان است.

فریدون شهبازیان دومین جلسه از مستر کلاس خود را با مقدمه‌ای درباره شناخت کامل هنرجویان از ریتم و ملودی آغاز کرد و سپس از تاریخچه این اثر و ضبط آن در سری برنامه‌های گل‌های تازه و جزئیات رپرتوار اجرایی آن سخن گفت. بداهه‌نوازی در جام تهی تبدیل به یکی از مهم‌ترین ارکان این اثر شده است و شهبازیان به وجوب انکار ناپذیر این تکنیک در موسیقی ایران تاکید ویژه داشت. او حضور «حبیب الله بدیعی» و «محمدرضا شجریان» را برای خلق یک بداهه کم نظیر در موسیقی ایران ستایش و اضافه کرد هیچ دخل و تصرفی در ارائه هنر این دو نداشته است. وی تسلط خواننده در پرورش ملودی در مایه مورد نظر آهنگساز را بسیار مهم دانسته و از این جهت محمدرضا شجریان را الگویی برای خواننده‌های ایرانی به شمار آورد.

شهبازیان به لحن و سیاق موسیقی کلاسیک در این اثر - حتی در بداهه‌نوازی حبیب الله بدیعی - و به ظرفیت‌های موسیقی ایران برای خلق فضای ارکسترال اشاره کرد و تطبیق مبانی موسیقی ایران مانند پیش‌درآمد، ساز و آواز، تصنیف و رنگ با مبانی موسیقی کلاسیک را شاخصه‌ای صحیح جهت درک و دریافت هنرجویان از تحلیل این اثر و آثار مشابه دانست.

این آهنگساز تسلط بالا بر ردیف موسیقی دستگاهی و شناخت دقیق موسیقی محلی ایران را برای آهنگسازان جهت خلق ملودی واجب شمرد و به هنرجویان تاکید کرد به اقصی نقاط ایران سفر کنند و موسیقی جای جای ایران را بشنوند و بشناسند.

توضیحات فنی و تاریخی پیرامون قطعات «راپسودی سنتور و ارکستر» و «راپسودی تار و ارکستر» و «در کوچه سار شب» دیگر بخش این جلسه بود.





### ۳. گروه نوازی از جمله موارد بسیار مهم در امر آموزش موسیقی است و همراهی با گروه یکی از تخصص‌های هر اهل موسیقی باید باشد.

کارگاه عود نوازی و برپت نوازی و اصول گروه‌نوازی توسط حسین بهروزی‌نیا نوازنده و آهنگساز برجسته موسیقی ایران، طی روزهای بیست و شش و بیست و هفت مردادماه در خانه موسیقی ایران تشکیل شد.

کارگاه عودنوازی با حضور تعدادی از هنرجویان این ساز از سراسر کشور برگزار شد و حسین بهروزی‌نیا در این کارگاه پس از آشنایی با سطح نوازندگی یکایک هنرجویان، به توضیح مقدماتی از فیزیک ساز عود، نحوه نواختن و ظرافت‌های گرفتن مضراب و حالت قرارگیری دست پرداخت.

بهروزی‌نیا در این جلسه علاوه بر مطرح کردن اصول متعدد از تکنیک‌های نوازندگی ساز عود و برپت و نیز تمایز سونوریت‌ها عود ایرانی از دیگر نوازندگی‌های این ساز در جهان به نکات مربوط به نحوه اجرای تک نوازی این ساز در کنسرت پرداخت.

بخش مفصلی از کلاس به مبحث پر اهمیت انگشت گذاری

این شیوه پرداخت. تاکید بر آموزش پیانو از سنین پایین و چگونگی روش تربیتی هنرآموزان بخش بعدی توضیحات وی بود. بوکوچاوا ممارست معلمین در علاقه مند کردن هنرجویان کودک به نت خوانی و بالا بردن سرعت نت خوانی در آنها را عامل موفقیت مدرسین دانست و به همراهی و مداومت همیشگی خانواده‌ها در راستای هدفمند شدن هنرآموزان اشاره کرد.

کارگاه در ادامه کاملاً به صورت تعاملی و عملی پیش رفته و حاضران نکات مربوط به درست کردن دست هنرجو، رفع معایب تکنیکی، تکنیک‌های انگشت گذاری، تمرین‌های ابتدایی و متوسط برای پیشرفت تکنیکی هنرجو، زمان‌های تمرین، نحوه آموزش کار با پدال و صداگیری حرفه‌ای را فرا گرفتند.

در طول این جلسات حاضرین پرسش‌های خود پیرامون نحوه آغاز متد روسی برای هنرجویانی که روش‌های دیگر را فرا گرفته‌اند، استعلام کیفیت کتب موجود تدریس پیانو، نحوه تعامل با هنرآموزان و خانواده‌ها، افزایش مهارت‌های تکنیکی در هنرجویان کم انگیزه، برگزاری کنسرت‌های هنرجویی و نکات فنی مختلف را به صورت پرسش و پاسخ مطرح کردند.



این کارگاه با مبحث سونوریته آغاز و با توضیح جزئیاتی پیرامون دینامیک، نوانس و حس در نواختن این ساز ادامه پیدا کرد.

مسعود شعاری شناخت ساختار موسیقی دستگاهی را مهم ترین عامل تسلط و خلاقیت در نوازندگی و آهنگسازی دانست و از هنرجویان خواست به تجارب شنیداری خود دقت کنند تا به درک درستی از مفهوم خلاقیت برسند. او رسیدن به لحن شخصی در نوازندگی هنرمندان جوان را منوط به شنیدن و درک تمامی مکاتب سه تار نوازی دانست و غفلت از این امر را جایز نشمرد؛ سپس به بسط مبحث نوانس و رنگ آمیزی در موسیقی پرداخت و آزاداندیشی را تمرین مهمی برای خلق موسیقی دانست.

شعاری از برخی مکتب‌ها و شیوه‌های سه تار نوازی به صورت خلاصه یاد کرد. او تاریخچه‌ای مختصر از ریشه‌های مکاتب سه تار نوازی قدما و معاصر را مطرح کرده و سپس فاکتورهای مهم در تشخیص ساختار این مکاتب مانند زیبایی شناسی و تفاوت سونوریته آنها با یکدیگر را با ذکر مثال توضیح و با اجرا بر روی ساز به سوالات هنرجویان در این باره پاسخ داد.

قدرت و ظرفیت جداگانه دست چپ و راست در سه تار، اهمیت و بی‌راسیون‌ها، کنده‌کاری‌ها و لحن نوازندگی برای پیدا کردن سیاق شخصی بخش دیگری از این مستر کلاس بود. پایان بخش کارگاه سه تار به طور مفصل به پرسش و پاسخ و رفع اشکالات هنرجویان اختصاص پیدا کرد. چگونگی یادگیری و حفظ ردیف، مقدمات بداهه نوازی، مشکلات مربوط به کوک ساز، بهداشت و فیزیک نوازندگی، منابع مورد تایید تدریس، انواع مضراب در سه تار، شفافیت در ارائه تکنیک‌های تریل چپ ریز و ... از جمله موارد مطرح شده در بخش پایانی این کارگاه یک روزه بود.

**۵. در این سالها به ندرت شنیده ایم کارگاهی برای سازندگان ساز برپا شود.**  
عموما هر فرد به صورت انفرادی به استادی مراجعه کرده و آموخته و تمام..

و تکنیک‌های اجرای ردیف موسیقی دستگاهی پرداخته شد و از هنرجویان خواسته شد ابتدا با دانش خود و سپس با آنچه آموخته‌اند قطعه‌ای را بنوازند.

بهر روزی نیا بخشی از کلاس را به مبحث تدریس عود نوازی در ایران و معضلات موجود در این فضا پرداخت که عموما دچار کاستی‌های بسیار است و به دلیل فعالیت مدرسین تار و سه تار و حتی گیتار در این حوزه بسیاری از تکنیک‌ها به اشتباه به هنرجویان منتقل می‌شود. به روزی نیا به اهمیت اجرای رپرتوار ایرانی جهت درخشش نوازندگان در عرصه جهانی و تمایز با نوازندگان ترک و عرب تاکید کرد و از هنرجویان خواست همواره در اندیشه اعتلای سطح نوازندگی خود باشند.

در ابتدای کارگاه گروه نوازی به روزی نیا ابتدا مقدمات قابل تاملی را درباره تشکیل یک گروه موسیقی، تنظیم مقررات مربوطه و اصول برقراری جلسات تمرین تشریح کرده و سپس در مورد تجربه شکل گیری گروه دستان و پایداری بیش از بیست و پنج ساله این گروه پرداخت. ویژگی‌های مرتبط با سرپرست گروه اهمیت نظم و تفکر هنرمندانه و نیز همدلی و رفاقت بین نوازندگان از دیگر نکات مورد تاکید او بود. آداب حضور روی صحنه اهمیت صدابرداری در اجرا و نیز چگونگی چینش اعضا و هم‌صدایی و هم‌ترازی اعضای گروه از دیگر مباحث مطرح شده به شمار رفت. به روزی نیا همچنین در مورد عوامل از هم پاشیدن گروه‌ها و مسائل پیرامونی آن صحبت کرد.

همنوازی حاضران در کلاس با ملودی‌های ساده اما دارای نکات تکنیکی بخش عملی این کارگاه را تشکیل داد

**۴. بخشی از کارگاه‌های تخصصی عموما به نوازندگی و یا خوانندگی اختصاص دارد و یکی از نام‌آشنایان در این زمینه مسعود شعاری است که در روزهای تابستان و در خانه موسیقی مستر کلاس نوازندگی سه تار را برگزار کرد و با استقبال بسیار خوبی مواجه شد.**





اما آغازگر کارگاه‌های تخصصی ساخت ساز در خانه موسیقی استاد بیاض امیرعطایی بود با آموزش ساخت ساز کمانچه.. این کارگاه در ابتدا با مبحث شناخت چوب و انواع آن آغاز شد. بیاض امیر عطایی پس از توضیحات اولیه درباره ساختمان و ساختار ساز کمانچه و بیان جزئیات پیرامون انواع چوب‌های مورد استفاده در نواحی مختلف این ساز، تفاوت‌ها و شباهت‌های چوب‌ها را بیان کرد. او در مرحله بعد به نواقصی که در قدیم در ساخت این ساز وجود داشته اشاره کرده و درباره اصلاحات این موارد توضیح داد.

این سازنده پیشکسوت کمانچه در تمامی مراحل تدریس خود به تاثیر حس و عشق در ساختن ساز تاکید کرده و این شغل را صرفا تجاری ندانست و در این باره گفت: ساز یحیی تکرار ناپذیر است چرا که شخصی مانند یحیی با آن میزان از عشق در ساخت ساز دیگر تکرار نشد..

#### ۶. دومین کارگاه تخصصی ساخت ساز به «آموزش ساخت سه‌تار» با حضور رفیع محمودی از نام‌های آشنا در این حوزه اختصاص داشت

امیر عطایی در مورد جنس، نوع و قطر پوست و تاثیر مستقیم آن بر صداهای ساز جزئیاتی را مطرح کرده و سپس به انواع سیم و موارد مربوط به آن اشاره کرد. بخش عمده‌ای از کلاس این سازنده ساز به اندازه‌های دقیق در جزئیات ساخت ساز و ابزار مرتبط و تاثیر این موارد بر نوع





**۷. سومین دوره‌ای که به ساخت ساز اختصاص داشت دوره ساخت تار با حضور استاد فرهمند بود.** و این دوره با استقبال بسیار زیادی همراه بود. سازندگان تار در این جلسه تمام نکته و نقایص خود را با استاد فرهمند در میان گذاشتند تا در زمینه مهارت خود بتوانند تخصصی تر عمل کنند.

#### **۸. و در نهایت ساخت ساز گیتار، از جمله سازهای پرطرفدار با تدریس بابک شیدایی**

بابک شیدایی معتقد بود روش سنتی ساخت گیتار که از اسپانیا برمی آید، بهترین شیوه ساخت این ساز است. او در مورد امتیازهای این شیوه نسبت به دیگر روش‌های آلمانی ژاپنی و... توضیحاتی ارائه داد. او دست ساز بودن قطعات را در ساخت ساز بسیار ضروری دانست.

شیدایی به همه سازندگان توصیه کرد تا شناخت بالایی نسبت به انواع متریا ل موجود در بازار ایرانی و جهانی داشته باشند تا بتوانند همواره با توجه به شرایط بهترین انتخاب را انجام دهند. مثال‌هایی از انواع چوب و استحکام آن و انتخاب چوب برای صفحه رویی و نیز نحوه تشخیص کیفیت چوب مانند نداشتن گره و موج و... از جمله مباحث مطرح شده در این بخش بود.

تشریح جزئیات ساختار ساز گیتار و اهمیت ساخت صفحه رویی که به عنوان ژنراتور صدا عمل می‌کند ادامه‌دهنده مباحث کلاس بود که منجر به توضیحات مفصلی پیرامون ساخت دسته ساز و اتصالات مخصوص و روش‌های اجرایی شد. شیدایی درباره تهیه ابزارآلات و چسب و متریا ل مهم دیگر توضیح داده و همچنین توصیه‌های مفصلی پیرامون شرایط آب و هوایی و رطوبت کارگاه ساخت ساز ارائه داد. از دیگر موارد مطرح شده در این کارگاه مباحث کاملاً تخصصی و تجربی در مورد زوایا، اندازه‌ها، پل بندی و کوک صفحه بود.

نوازنده در هم ادغام می‌شود و نتیجه سازی است خوش صدا و با کیفیت. بعد از این توصیه من همیشه سعی کردم برای سفارش دهنده‌ها ساز بسازم و صرفاً سازنده‌ای نباشم که تعداد زیادی ساز در کارگاهش داشته باشد.

مدرس این کارگاه تخصصی موارد فنی مربوط به صنعت ساز و افت صدا را آموزش داده و سپس به توصیف تکنیک‌های سنتی در ساخت کاسه ساز پرداخت. او در این مرحله ادغام روش‌های سنتی با علم روز سازسازی در ایران را بسیار لازم دانست و به این نکته اشاره کرد که صدای پخته ساز در زمان‌های گذشته با صنعت جدید سازسازی ایده آل این روزهای سازندگان ساز است. محمودی به شباهت‌ها و تفاوت‌های سبک قدما در ساخت ساز پرداخت و تعدادی از نقاط ضعف و قوت این سبک‌ها را برشمرد.

ارائه مطالب مفصل راجع به مقیاس‌ها و اندازه‌ها و جزئیات مربوط به آن و سپس مزیت‌ها و معایب انواع قالب‌ها بخش عمده کلاس را به صورت تعاملی در بر گرفت. محمودی درباره انواع چوب و عمر آن‌ها و نیز شیره گیری چوب و صدمه‌های آن به کار نکاتی را عنوان کرد.

محمودی به هنرجویان تاکید کرد که همواره مهارت نوازندگی خود را به روز نگه دارند چرا که این ویژگی به همراه تقویت همیشگی گوش موسیقایی یکی از مهم‌ترین اصول این حرفه است.

روش‌های انواع تراش صفحه، ایجاد قوس، کاربردهای دیابازون، تعمیر و بازسازی ساز، کوک هوای داخل کاسه و اولویت بندی هر کدام از مراحل، دیگر بخش‌های این کارگاه را در بر گرفت. کارگاه با پرسش و پاسخ‌هایی پیرامون چگونگی به کارگیری تکنیک‌ها، چسب کاری، نگهداری اولیه چوب، شیوه‌های گرم کردن چوب، درجات و زوایای دسته، ظرافت‌ها و اندازه‌های مربوط به خرک و... پایان پذیرفت.





دوران باروک و دوره کلاسیک یا عصر روشنگری را با جزئیات برای مخاطبان شرح دادند. از جمله بخش‌های مورد توجه این کارگاه پخش فیلم‌ها و نمونه‌های شاخص موسیقی در دوره‌های متفاوت بود که مورد استقبال شرکت‌کنندگان در این دوره آموزشی قرار گرفت.

**۱۰. فلسفه در هر عصر و دوره‌ای جزیی جدا نشدنی از موسیقی بوده است و دانستن اصول فلسفی بی‌گمان برای هر دوستدار موسیقی لازم و واجب است.**

این کارگاه با حضور دکتر حمیدرضا اردلان در خانه موسیقی ایران برپا شد.

کارگاهی با نام "صدا، موسیقی و فلسفه" دکتر اردلان در ابتدای این جلسه یادآوری کرد که هرآنچه در کائنات است در ۴ دسته بندی قرار می‌گیرد. ابتدا جنبه شنیداری یا وجود سمعی، جنبه بصری یا وجود نوشتاری، جنبه ذهنی و در

**۹. اما در این دوره‌ها تلاش کند تا بخش‌های مختلفی از دنیای رنگارنگ موسیقی مورد توجه قرار گیرد، مثل آموزش مبانی موسیقی کلاسیک..**

این کارگاه با حضور بهمن مه‌آبادی ۱۳ و ۱۴ شهریور ماه در خانه موسیقی ایران برگزار شد.

در این کارگاه دو روزه، بهمن مه‌آبادی ابتدا در مورد صوت و مشتقات آن مانند زیر و بم ارتفاع صوت، فاصله صوت، گام در موسیقی و علامت‌ها، وسعت صوتی، داینامیسم و تمبر صدا توضیحاتی ارائه داد.

همچنین نمونه‌هایی از انواع صدا مانند تنور، باریتون، آلتو، سوپرانو و باس برای مخاطبان ارائه داده شد.

در ادامه مثال‌هایی از سبک و استایل‌های موسیقی در قرن‌های گذشته ارائه شد. به عنوان نمونه در قرون وسطی از ۴۵۰ تا ۱۴۵۰ میلادی سبک‌های متنوعی وجود دارد که بعد از فروپاشی امپراطوری رم و به قدرت رسیدن کلیسا شرایط تغییر می‌کند. بهمن مه‌آبادی موسیقی در قرون وسطی، دوران رنسانس،



فراوان، غذاهای کم چربی و دارای فیبر زیاد و نیز عدم مصرف بعضی مواد غذایی جهت پیش گیری و کاهش بازگشت اسید معده و انواع آلرژی برای خواننده‌ها بخش دیگر این کلاس را تشکیل داد. سواره معده را مهم ترین همسایه دستگاه صوتی انسان دانسته و مراقبت تخصصی از معده را برای خوانندگان واجب دانست.

ادامه مباحث این کارگاه به تمرین‌هایی جهت گرم کردن گلو و حنجره، نوع صحیح صحبت کردن و تنفس شکمی، چگونگی راحتی بدن و قفسه سینه و کاهش انقباض در عضلات مرتبط اختصاص پیدا کرد و نیز بررسی اشتباهات رایج مثل سفت نگه داشتن فک و بالا نگه داشتن زبان و دیگر خطاهایی که باعث تنش می‌شود از دیگر موضوعات مطرح شده به شمار رفت.

سواره به همه خواننده‌ها توصیه کرد به طور سالیانه تحت بررسی پزشک متخصص قرار بگیرند و از معاینات دوره‌ای سلامت حنجره غافل نشوند. او در این کارگاه عنوان کرد سبک زندگی سالم و صحیح و استفاده از رژیم غذایی مناسب و ورزش می‌تواند در روند خوانندگی موثر باشد.

اعضای این کارگاه به صورت مجازی و حضوری پرسش‌هایی درباره انواع ورزش‌ها و تاثیر آن بر صدا، معایب مصرف داروهای هورمونی، چگونگی حفظ سلامت حنجره در تمرین‌های پاکسازی حنجره، خشکی حفره‌های حلقی، وارم آپ در صداسازی و ... را مطرح کرده و پاسخ خود را دریافت کردند.

و اینچنین این دوره از مستر کلاس‌های خانه موسیقی به پایان رسید به این امید که آموزش صحیح و اصولی در هر دوره‌ای برقرار باشد و نسلی هنرمند تربیت شود.

انتها جنبه عینی

در این میان وقتی صحبت از صدا می‌شود در حقیقت منظور ما صدایی است که نیازمند ماده است زیرا صدا در خلا وجود ندارد. صدا تبدیل به امواج می‌شود و امواج در خلا تبدیل به نور می‌شوند. نیوتن زمان و مکان را موجودی مستقل دریافت کرده بود اما انیشتین برای زمان و مکان جدایی قائل نبود. در تئوری دیالکتیک ما با ترکیب تز و آنتی تز مواجه هستیم به این معنا که منطق دیالکتیک جهان را در دو قاب تصور می‌کند مانند سیری در مقابل گرسنگی یا صدا در برابر سکوت. اما در روش هرمنوتیک آنچه مهم و معنادار است ریشه یابی پدیده‌ها و بررسی رویدادها از منظر ریشه هاست.

در ادامه حمیدرضا اردلان به این نکته اشاره کرد که بشر به مرور کشف کرد صدا در جهان وجود دارد و این صدا ویژگی‌هایی دارد. گاهی بلند است و گاهی کوتاه، صدا می‌تواند پیوسته یا مقطع باشد. می‌تواند بلند باشد مانند نت سفید و یا کوتاه باشد مانند دو لاچنگ..

به هر روی با تمام تعاریف متنوع صدا در دانش بشر تعریف شده است.

## ۱۱. و در نهایت یکی از دوره‌های موفق این رویداد برپایی کارگاه اصول آوازی بود

کارگاهی با نام: «توانمند سازی حنجره» با هدایت دکتر سیروان سواره

دکتر سیروان سواره آموزش خود را با توصیه‌هایی در خصوص تحرک و ورزش در مورد تعادل کلی بدن آغاز کرد و ورزش‌های سنگین مانند پاورلیفتینگ را جایز ندانسته و به حرکات ورزشی سبک هوازی تاکید ورزید.

توصیه‌های تغذیه‌ای مانند مصرف سبزیجات و آب



عکس: صحرا نقلی



گفت و گو با حمیدرضا نوربخش



گفت و گو: ندا حبیبی

## در آشفته بازار موسیقی می خواهیم شمعی برافروزم

دوره‌ای در شهرستان‌ها میزان اندکی از این نقص را پوشش داد. حمیدرضا نوربخش مدیر عامل خانه موسیقی جزو افرادی است که از گذشته‌های دور به برگزاری کارگاه‌های آموزشی همت گماشته است. تابستان هزار و چهارصد و دو، مجموعه کارگاه‌های درس آهنگ به صورت مجازی و حضوری برگزار و با استقبال بالای دوست داران موسیقی مواجه شد. در حاشیه این دوره گفتگوی کوتاهی داشتیم با حمیدرضا نوربخش پیرامون مسائل آموزشی و چگونگی ادامه کارگاه‌ها.

موسیقی ایران خاصیت عجیبی دارد؛ طی صدها سالها سینه به سینه منتقل شده و با وجود همه مصائب پیچیده همچنان اصالت خود را حفظ کرده است. به جرئت می توان گفت این کیفیت مدیون یکایک اساتیدی است که با دلسوزی آنچه در گنجینه تجربه و ذهن خود داشتند به شاگردان بسیار سپردند. بحث آموزش در ایران همواره با تمرکزگرایی در پایتخت همراه بوده که گستردگی آن را تحت شعاع قرار داده است. در دهه‌های اخیر برگزاری برخی کارگاه‌ها به صورت پراکنده و رونق مستر کلاس‌های

**ایده اولیه مجموعه مستر کلاس‌های خانه موسیقی چگونه شکل گرفت؟**

موضوع آموزش موسیقی از دیرباز جزو برنامه‌های اصلی خانه موسیقی بوده است، چرا که کیفیت آموزش یکی از تضمین کننده‌های آینده موسیقی ماست. ما در بحث نظارت به آموزش و به طور مثال کارت صلاحیت تدریس به همین دلیل ورود کردیم. در تمام این سال‌ها ما به تناوب مستر کلاس‌های مختلفی برگزار کردیم، گاهی به صورت ترمیک و دوره‌ای و گاهی تک جلسه‌ای و کارگاهی و همراه با مدرک بوده است. از محضر بزرگانی همچون استاد مصطفی کمال پورتراب و دیگر بزرگانی که اکنون در قید حیات نیستند استفاده کردیم. بنده به صورت شخصی نیز همیشه دغدغه آموزش داشته‌ام. در دهه هفتاد اولین دوره کارگاه‌های آواز استاد شجریان را در تالار رودکی برگزار کردم که آن کارگاه‌ها ادامه هم پیدا کرد و ثمرات نیکویی داشت.

**ضرورت تشکیل این جلسات را چه می‌دانید؟**

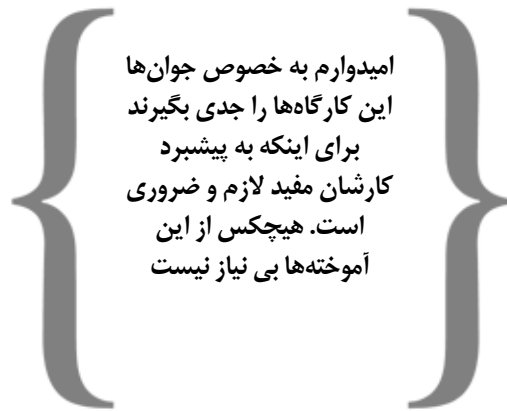
من معتقدم دسترسی به برخی اساتید برای همه افراد علاقه‌مند در سرتاسر کشور مقدور نیست. پس باید راهی پیدا کرد، تمهیداتی اندیشید که همه بتوانند از این تجربه‌ها استفاده کنند. همان دورانی هم که کارگاه‌های استاد شجریان را برگزار می‌کردیم عقیده ما بر همین اصل استوار بود که همه کسانی که آواز می‌خوانند و به این حرفه مشتاق اند حق دارند با آقای شجریان ارتباط برقرار کنند و از ایشان بیاموزند و سوالاتشان را بپرسند. این در مورد تمام اساتید صادق است. آن شخصی که در یک روستا یا شهرستان محروم است تکلیفش چیست؟ دهه هفتاد که ما کارگاه برگزار می‌کردیم افراد مجبور بودند از راه‌های دور خودشان



و نواختن محفلی است. شما تا برای مخاطب هنرت را عرضه نکنی حتی مخاطب اندک مثل خانواده و دوستان و یا یک جمع کوچک هنری به آن رشدی که باید نمی رسی. محفل به طور کلی سازنده است. در گذشته بزرگانی بودند که در خانه شان باز بود و محفل برگزار می کردند و هنرمندان دعوت می شدند ساز و آوازی نواخته می شد و نقد و نظرات باعث پختگی هنرمند میشد. ما امروزه این محافل را نداریم. انگار یک نظارت کلی بر مسیر هنرمند وجود داشت. ارتباط استاد و شاگرد تا جایی هست و بعد قطع می شود، مثلا شاگرد ردیف را که تمام می کند دیگر می رود دنبال کار خودش رها می شود انگار.

### در حیطه آواز چه مسائلی وجود دارد؟

در آواز هم به همین شکل است. هنرجویان بعد از اینکه ردیف را تمام می کنند می روند به سراغ ملودی هایی که



امیدوارم به خصوص جوانها  
این کارگاهها را جدی بگیرند  
برای اینکه به پیشبرد  
کارشان مفید لازم و ضروری  
است. هیچکس از این  
آموخته ها بی نیاز نیست

الان مد شده است. همان هایی که یک شبه گل می کند. اساسا ذائقه مخاطب تغییر کرده است وقتی مخاطب ساز و آواز را نمی بیند بر اثر مرور زمان این گونه دیگر مارکتش را از دست می دهد این چرخه مدام به هم دامن می زند و این گرفتاری را حاصل کرده است که می بینیم.

### می توان گفت این مستر کلاس ها به نوعی حلقه

گمشده ای هستند که راه هنرجو را روشن می کند.

بله خیلی از جوانها نقشه راه ندارند دچار سردرگمی هستند باید ذهنیت شان را روشن کنیم. ما می توانیم در چنین مستر کلاس هایی چراغ راه بدهیم. این مجموعه حتما باید ادامه پیدا کند و مسیر صحیحش را پیدا کند تا ثمرات مبارکی را از آن شاهد باشیم. امیدوارم به خصوص جوانها این کارگاهها را جدی بگیرند برای اینکه به پیشبرد کارشان مفید لازم و ضروری است. هیچکس از این آموخته ها بی نیاز نیست. بحث هایی که در کارگاهها می شود بحث روتین کلاس های اساتید نیست. اساتید در کارگاهها قرار است ارزش افزوده ایجاد کنند و از فضای همیشگی فاصله بگیرند.

را برسانند تهران. الان به لطف تکنولوژی این مشکل هم برطرف شده و تعداد کثیر افراد در آن واحد می توانند از کلاس بهره ببرند. الان در این بسترهای مجازی علاقه مندان می توانند سوالات را مطرح و با استاد به راحتی ارتباط برقرار کنند و نهایت استفاده از راه دور از یک کارگاه داشته باشند، خب این اتفاق مبارکی است.

### من در این مدت از استقبال بسیار بالا واقعا متعجب

شدم. برای شما قابل پیش بینی بود؟

بله این استقبال نشان داد چه قدر ظرفیت بالایی در این زمینه وجود دارد. به طور مثال مستر کلاس استاد شهپازیان آهنگساز برجسته و باسواد که کارنامه درخشانی دارد، خب وقتی بیاید تجارب آهنگسازی اش را در اختیار جوان ترها قرار دهد چه قدر جذاب است. و همین طور دیگر اساتید. ما با مشارکت پلتفرم استیج در این دوره، امکانات به روز و مناسبی را در نظر گرفتیم که در حال حاضر مشابه ندارد. به این ترتیب توانستیم هم در فضای خانه موسیقی هم در فضای مجازی میزبان علاقه مندان باشیم. این شور و استقبالی که شد قطعاً انگیزه ما را به ادامه این مسیر بیشتر کرد. نمی خواهیم این طور باشد که یک جلسه کار انجام و سپس رها بشود. در تک تک اساتید هم من این اشتیاق را دیدم و بسیار رضایت داشتند از این فرایند.

ما در حال حاضر با ضعف شدید در زمینه آهنگسازی مواجهیم و البته دشواری های دیگر مثل کاهش کیفیت بداهه نوازی و ... آیا این قبیل مسایل در برگزاری کلاسها در نظر گرفته خواهد شد؟ منظورم این است که نقصها را نشانه بگیریم؟

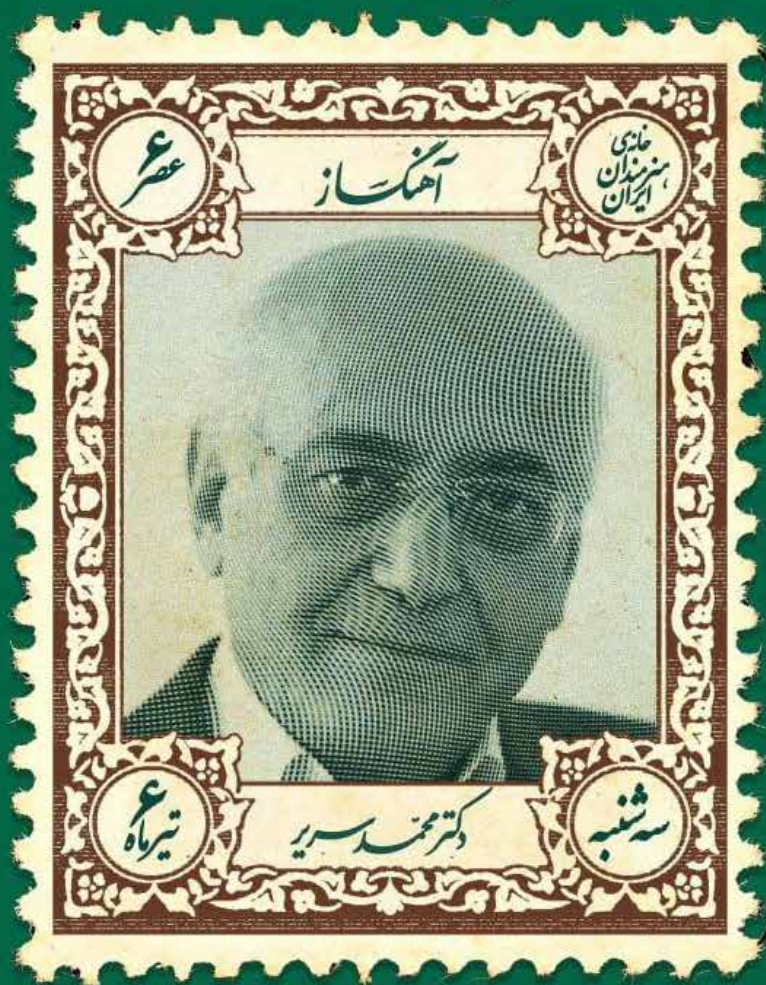
بله طبیعتاً به همین هدف جلو خواهیم رفت. در مرحله اول ما علاوه بر پیشنهادهایی که داشتیم خودمان هم برای برخی مباحث حساس تر بودیم که قدم های اول برداشته شود مثل میانی آهنگسازی. همان طور که شما به درستی گفتید ما در آهنگسازی ایرانی خلا شدید داریم. در ساز و آواز ایرانی. ما در گذشته سولیست های پرشمار داشتیم. آنهایی که در رادیو و در مرکز حفظ و اشاعه بودند همگی سولیست تربیت شده بودند. منظورم همین هنرمندانی که این چهل سال اخیر موسیقی ایران را تغذیه کرده اند مثل علیزاده، لطفی، مشکاتیان، پیرنیاکان و ... که در دامان اساتید بزرگی پرورش یافته بودند. متأسفانه این ارتباط نسلی از یک زمانی نگویم قطع ولی کم رنگ و کم رنگ تر شد. هر کسی یک سری آموزش های کلی دید و بعد رفت در خلوت خودش و با چیزهایی که به صورت پراکنده از جاهای مختلف گرفته بود کلنجار رفتن.

### این کمبود سولیست نتیجه همین قطع شدن رابطه

نسلی ست؟

بله می توان گفت، چرا که تربیت سولیست استانداردهایی دارد. کسی که این سیر آموزشی و تجربی را کامل طی نکند به نتیجه مطلوب نمی رسد. مثلاً بخشی از این سیر آموزشی خواندن

# شب آهنگساز



## آیین نکوداشت دکتر محمد سعیدی

سه شنبه ۶  
تیرماه ۱۴۰۲  
ساعت ۶ عصر

خیابان ایرانشهر  
خانه هنرمندان ایران  
سالن استاد شهیناز



QR کد ورود آهنگ  
www.darsahang.com

# برای مردی شریف که زندگی‌اش را وقف موسیقی کرد

در ادامه برنامه‌های بزرگداشت اهالی موسیقی در خانه موسیقی ایران، آیین نکوداشت دکتر محمد سریر هنرمند برجسته حوزه موسیقی سه شنبه ۶ تیر ماه در خانه هنرمندان ایران برگزار شد.



آیین نکوداشت محمد سریر هنرمند شناخته شده حوزه موسیقی با عنوان "شب آهنگساز" عصر روز سه‌شنبه ششم تیرماه با حضور جمعی از علاقمندان و همکاران و دوستان او در سالن استاد شهناز خانه هنرمندان ایران برگزار شد.

فرهاد فخرالدینی، کامبیز روشن‌روان، داریوش پیرنیاکان، میلاد کیایی، داوود گنجه‌ای، محمدرضا فروتن، سامان احتشامی، حمیدرضا نوربخش، نظام‌الدین کیایی، فرهنگ جولایی، فریدون شهبازیان، خانواده زنده یاد همایون خرم، بیژن بیژنی، صدیق تعریف، شاهین فرهنگ، قاسم رفعتی و... از جمله چهره‌های حاضر در این مراسم بودند.

فرهاد فخرالدینی موسیقیدان و آهنگساز در ابتدای این برنامه با پاسداشت از خدمات محمد سریر گفت: او عمر خود را صرف موسیقی کرد و خدمات فرهنگی بسیاری انجام داد. در کنار این موضوع همسر و پدر خوبی نیز بود. همیشه در شوراهای تصمیم‌گیری ما (خانه موسیقی) حضور داشت و کمک می‌کرد. به هر حال بسیاری از مسئولانی که جز تصمیم‌گیران حوزه موسیقی هستند، از دانش کافی در حوزه موسیقی برخوردار نیستند؛ لازم است که این افراد از مشاوره‌های شوراهای موسیقی که افرادی چون محمد سریر جز آنها هستند، بهره ببرند.

میلاد کیایی نوازنده پیشکسوت سنتور که از دوستان نزدیک و قدیمی محمد سریر به شمار می‌آید، در این برنامه گفت: از آشنایی من با محمد سریر بیش از ۶۰ سال می‌گذرد. دوستی ما از سال ۱۳۴۰ آغاز شد تا الان ادامه پیدا کرده است. اردوهای هنری را به خاطر می‌آورم که او در کنار ساحل با آکاردئون خود آهنگ‌های نوستالژیک را به خوبی اجرا می‌کرد که هیچوقت آن را فراموش نمی‌کنم. او هنرمندی فرهیخته است که نظیری ندارد.

او ادامه داد: البته در زمان حال هم نوازندگان خوب بسیاری داریم اما اگر ساز را از آنها بگیرید، چیزی از وجودشان باقی نمی‌ماند. در مقابل موسیقی ایران از افرادی بهره می‌برد، که وجودشان در همه حال ارزشمند است؛ دکتر محمد سریر از جمله همین افراد است. او گنجینه‌ای است که نمی‌توان با چند کلمه توصیفش کرد، باید درباره‌اش کتاب نوشته شود.

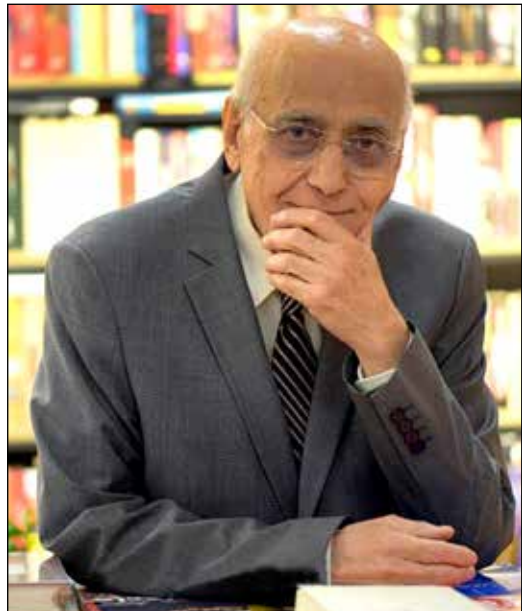
کیایی با تشکر از خانه موسیقی برای برگزاری این مراسم در زمان حیات محمد سریر، بیان کرد: در مورد محمد سریر می‌توانم ساعت‌ها حرف بزنم و خاطره تعریف کنم. آهنگ‌های جاودانه و شخصیت بی‌نظیر او را نمی‌توان نادیده گرفت.

روزهایی را به خاطر می‌آورم که بسیار خوش‌تیپ و دوست‌داشتنی بود و طرفداران بسیاری داشت. امروز که هم‌دوره‌ای‌های سال‌های گذشته خود را دیدم، احساس کردم آن سال‌ها که در کنار یکدیگر در حال آموزش موسیقی بودیم، همین دیروز بود. اکنون



روشن‌روان با اشاره به شخصیت هنری محمد سریر گفت: شاهد خلق موسیقی‌های جذاب ایشان بوده‌ام و باید بگویم آثار زیادی داشته است. به عنوان مثال همکاری مشترک او با زنده‌یاد محمد نوری استثنایی در موسیقی ایران است. اکنون جای چنین همکاری‌هایی بسیار خالی است. او همچنین در طول دوران کاری خود، سیاستمداری بود که کمک کرد هنر از مسیر حقیقی‌اش خارج نشود. امیدوارم تندرست باشد و فعالیت هنری خود را ادامه دهد.

محمد رضا فروتن بازیگر سینما نیز در بخش بعدی این برنامه در سخنانی درباره محمد سریر گفت: خوشحالم که این فرصت به من داده شد تا از بزرگی چون دکتر محمد سریر صحبت کنم. تجربه من از آشنایی با محمد سریر به ۱۶ یا ۱۷ سال پیش مربوط می‌شود؛ در واقع مشکلی برای فیلم سینمایی پیش آمده بود که منتج به برگزاری جلسه‌ای در خانه سینما شد. در آنجا این افتخار را داشتم که ایشان را ببینم. او شخصی است که خرد و قلب خود را به زیبایی زندگی می‌کند. همین شیوه از زندگی روی من تاثیر گذاشته و سبب شده تا بسیاری از انتخاب‌هایم تغییر کند.



در سرازیری هستیم اما به هیچ وجه امید خود را از دست نداده‌ایم. به قول شاعر: «دقایقی ز زمانه هنوز در پیش است/ که از سراسر گذشته ارزشش بیش است»

پخش مستندی از زندگی محمد سریر برای حاضران برنامه بعدی این مراسم بود.

کامبیز روشن‌روان، نوازنده، موسیقیدان و آهنگساز سخنران بعدی این مراسم بود. او صحبت‌های خود را اینطور آغاز کرد: در مقابل بزرگانی که اینجا حضور دارند، صحبت کردن دشوار است. اما در مورد استاد محمد سریر باید بگویم ایشان به معنای واقعی کلمه هنرمندی بدون حاشیه بود. او به عنوان انسانی که هم هنرمند و هم دیپلمات و مدرس به شمار می‌آید، هیچ حاشیه‌ای نداشته است. عجیب اینکه در تمام این سال‌ها خیلی کم در رابطه با ایشان صحبت شده است.

او ادامه داد: نزدیک به نیم قرن است که دکتر سریر را می‌شناسم؛ ما همکاری‌های بسیاری با یکدیگر داشتیم. ایشان یک شخص نیست؛ او دیپلمات است که به عنوان رایزن فرهنگی در کشورهای اروپایی عملکرد بسیار مثبتی داشته است. به عنوان مثال ایشان به خصوص برای کسانی که تحصیل موسیقی در کشورهای اروپایی را انتخاب کرده‌اند، بسیار مفید بوده است.

این نوازنده با بیان اینکه محمد سریر در کنار تمام کارهای دیپلماتیکی که انجام داده، مدیری به معنای حقیقی کلمه است، ادامه داد: شخصا مدیریت ایشان را در خانه سینما، خانه موسیقی، دانشگاه‌ها و ... دیده‌ام. او بسیار موفق عمل کرده است. آنچه اهمیت دارد، نگاه دیپلماتیک جناب سریر بوده که موجب شده تا مدیریت او نگاهی به سیاست نیز داشته باشد. همین موضوع سبب شده تا کج‌روی‌هایی که ممکن است در جامعه هنری پیش بیاید، توسط او برطرف شده است.

### آثار دکتر محمد سریر جاودانه شده است. همکاری مشترک او با زنده‌یاد محمد نوری استثنایی در موسیقی ایران است

این بازیگر در ادامه صحبت‌هایش خود با تاکید بر اینکه به خود اجازه نمی‌دهد تا درباره محمد سریر محاوره صحبت کند، متنی را که از پیش آماده کرده بود، برای حاضران در مراسم خواند. در بخش بعدی این مراسم، سامان احتشامی، نوازنده پیانو نیز در سخنانی کوتاهی گفت: حضور در این برنامه باعث افتخار من است. زیرا باتوجه به شیوع همه‌گیری کرونا چند سالی است که سعادت دیدن اساتید خود را نداشتم و امروز فرصت مغتنمی فراهم شده است. وظیفه من است که از استاد بزرگوارم محمد سریر تشکر کنم. ۳۷، ۳۸ سال پیش، وقتی ۷، ۸ ساله بودم، توسط فرهنگ جولایی نازنین وارد رادیو شدم و اکنون که صدای خودم یا سازم در رادیو پخش می‌شود، به نوعی می‌توانم بگویم که در آنجا ماندگار شده‌ام.

او ادامه داد: زمانی که ۱۷ یا ۱۸ ساله شدم، در کنکور موسیقی



که خانه سینما تعطیل نشود و در کنار آن همچنان از پشتوانه جدی هنرمندان و سینماگران بهره‌مند باشد، چه چیزهایی بوده است؟ بدون تردید یکی از ستون‌های اصلی این اتفاق، آقای دکتر سریر بود. ایشان با اشراف بسیار جدی خود نسبت به حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و خوشنامی که بین اهالی هنر داشت، پشتوانه‌ای شد که ما بتوانیم سنگر خانه سینما را حفظ کنیم برای اینکه در تاریخ ثبت شود.

او در پایان عنوان کرد: واقعا خوش به حال کسانی که توانستند از معاشرت با اساتیدی چون محمد سریر و افراد دیگری که امروز در اینجا حضور دارند، بهره ببرند. خوش به حال هنرمندان بزرگی که آثاری را خلق می‌کنند که سال‌ها در این مملکت باقی خواهد ماند و از نامشان به نیکی یاد می‌شود.

حمیدرضا نوربخش مدیرعامل خانه موسیقی در ادامه این برنامه گفت: وقتی عکس‌های گذشته را نگاه می‌کردم، افسوس خوردم. زیرا چند سال قبل که برای احترام به شخصیت دکتر سریر جمع شده بودیم، زنده‌یادها اکبر عالمی، علی مرادخانی، استاد نصرالله ناصح‌پور و ... در این مراسم حضور داشتند اما به مرور یکی یکی آنها از این قطار پیاده شدند و افسوس دریغ آن برای ما ماند.

او با بیان اینکه افراد، هنرمندان و بزرگان را به دو بخش تقسیم می‌کند، گفت: کسانی هستند که فقط به کار خود می‌پردازند؛ هنرمندان و بزرگان یا ادیبانی که به هر حال روی کار خود متمرکز هستند. این گروه خیلی قابل احترام هستند. اما عده دیگری هم هستند که کار خود را انجام می‌دهند اما فراتر از آن، اهداف انسانی دیگری را نیز دنبال می‌کنند. آنها تجربه و سرمایه اجتماعی خود را مصروف اهداف دیگری می‌کنند که الزاما برای

قبول و توسط فرهنگ جولایی و استاد میلاد کیایی به استاد محمد سریر معرفی شدم. آقای دکتر سریر محبت کردند و اجازه دادند که من وارد دانشگاه شوم. از همه شما ممنونم که به من اعتبار بخشیدید و اجازه دادید که برای شما ساز بزنم. امیدوارم همیشه شادی در جریان و حال همگی خوب باشد.

سامان احتشامی سپس برای حاضران این مراسم قطعه موسیقایی «در روح و جان من، می‌مانی ای وطن» را به وسیله پیانو اجرا کرد.

محمد مهدی عسگرپور (مدیرعامل خانه هنرمندان ایران) نیز در بخش بعدی این مراسم گفت: امشب، شب مبارکی در مجموعه خانه هنرمندان است که به بهانه بزرگداشتی برای استاد محمد سریر، میزبان اساتید بزرگ حوزه موسیقی و حوزه‌های دیگر فرهنگ و هنر کشور هستیم. شخصا با وجود حضور اساتید موسیقی بزرگ کشورمان، جسارت نمی‌کنم که درباره وجهه موسیقایی دکتر محمد سریر صحبت کنم؛ بلکه می‌خواهم از زمانی بگویم که ایشان در فعالیتهای صنفی دیگری چون حوزه سینما فعال بود.

او ادامه داد: در مقطعی در کنار ایشان در هیات مدیره خانه سینما حضور داشتم و این برابم افتخار بود. آن دوره که سال ۸۸ بود، عزم جدی وجود داشت که نهادهای صنفی تعطیل شوند. تصور آنها این بود که اگر خانه سینما تعطیل شود، خانه‌های دیگر نیز پشت سر آن تعطیل می‌شوند. آن زمان ما تقریبا هر روز در آنجا اتاق جنگ داشتیم؛ زیرا باید این موضوع فرماندهی می‌شد. مدیرعامل خانه هنرمندان ایران با اشاره به گذر سال‌ها از آن زمان بیان کرد: بعدها به این فکر می‌کردم، آن چیزی که سبب شد در آن شرایط قوامی به دست بیاید و ما به نقطه تعادلی برسیم

می‌شود. اگر شما امروز در من آرامش می‌بینید، به خاطر این است که همسر خوبی دارم؛ بنابراین اگر امروز محمد سریر به این درجه رسیده است، به این خاطر بوده که همسر خوبی داشته است. خانواده مسئله خیلی مهمی است.

او در ادامه به روایت خاطراتی از محمد سریر پرداخت. داریوش پیرنیاکان نوازنده تار و سه‌تار نیز در ادامه این برنامه گفت: در مورد موسیقی دوست عزیزم دکتر سریر که شخصا خیلی به او علاقمندم، همه صحبت کردند و موسیقی ایشان هم گویای جایگاه ایشان است.

او با اشاره به صحبت‌های حمیدرضا نوربخش درباره وجه دیگر محمد سریر توضیح داد: آن موقع که آقای سریر در ژنو بودند، من در یونسکو کنسرتی داشتم. نمی‌دانم آقای سریر چگونه متوجه شدند که من در پاریس هستم ولی به محض مطلع شدن، با من تماس گرفت و گفت که قصد دارم تا در ژنو هم که مرکزی سیاسی است برای تو کنسرت بگذارم تا آنها هم ببینند که موسیقی ما چیست و اجرایی داشته باشیم. در عرض ۲۴ ساعت ترتیب برگزاری این کنسرت داده شده بود.

پیرنیاکان ادامه داد: سریر یکی از انسان‌های با کمال و تمام عیار است. ایشان واقعا دوست‌داشتنی هستند و ما از دیدنش هم لذت می‌بریم. در تأسیس خانه موسیقی، دکتر سریر و آقای روشن روان بزرگترین خدمت را کردند. در واقع این دو بزرگوار در تأسیس و تداوم خانه موسیقی بیشترین خدمت را کردند.

نظام الدین کیایی صدابردار سینما نیز در ادامه این مراسم گفت: امشب برای من شب آهنگساز نیست؛ شب رفاقت و رفیق است. با آقای دکتر سریر در دوره‌ای که در خانه سینما بودیم، همیشه در مورد مسائل خانه سینما به تفاهم می‌رسیدیم. دکتر سریر در میان صفات خوب خود شرافت داشت که به گمان من جمع تمام صفات خوب اخلاقی است.

او همچنین در ادامه صحبت‌هایش بیان کرد: دکتر سریر از دید من یک مرد شریف است. شریف با خوب بودن و صفاتی از این دست متفاوت است. در واقع اگر تمام صفات خوب اخلاقی در شخصی باشد، ما به او چنین صفتی را می‌دهیم و دکتر سریر لایق این صفت است.

اجرای برخی قطعات مانند «بیگانگی‌ها»، «ایران ایران» و «روز با غروب» از ساخته‌های دکتر محمد سریر با حضور نگین سریر، نیلوفر ابراهیمی و مسعود یکتا بخش دیگری از این مراسم بود.

در ادامه نگین سریر، دختر دکتر محمد سریر گفت: امروز اگر بر روی این صحنه ام‌مدیون پدری هستم که عمر خود را صرف تربیت ما و اعتلای موسیقی کرد و مادری که سالها همراه و همدل او بوده و هست.

در انتهای این برنامه مراسم تقدیر از دکتر محمد سریر با حضور هنرمندان برگزار شد.

خود و زندگی شخصی آنها نیست، بلکه برای همه انسان‌ها صرف می‌شود تا ما جامعه بهتری داشته باشیم. این گروه تمام سرمایه اجتماعی، تجربه و همه داشته خود را در راهی صرف و هزینه می‌کنند که گاه هم برای آنها لطماتی به همراه خواهد داشت.

نوربخش در ادامه گفت: دکتر محمد سریر جز دسته دوم است. ایشان داشته همه عمر خود و هر چه اندوخته بود را در دست گرفته و در خدمت اهدافش برای اجتماع و انسان‌ها گذاشته است. محمد سریر آدم دغدغه‌مندی است. او کارهایی کرد که برای خودش نفعی نداشت و در جهت پیشرفت اجتماع بود. این افراد قابل احترام هستند و باید به آن‌ها احترام مضاعف گذاشت.

او در بخش پایانی صحبت‌هایش بیان کرد: یکی از دغدغه‌های آقای سریر که در خانه موسیقی نیز آن را دنبال می‌کرد، بحث

محمد سریر کارهایی کرد که  
برای خودش نفعی نداشت  
و در جهت پیشرفت اجتماع  
بود. این افراد قابل احترام  
هستند و باید به آن‌ها احترام  
مضاعف گذاشت

آموزش موسیقی بود. سال‌ها پیش بحث نظارت روی اساتید برای آموزش موسیقی با نظارت ایشان در خانه موسیقی دنبال می‌شد. ایشان در آن زمان نیز برای این موضوع زمان زیادی می‌گذاشت و بحث آموزش موسیقی دغدغه ایشان بود. اکنون که شب موسیقی، مربوط به دکتر محمد سریر است، می‌خواهم این نوید را بدهم که یک پلتفرمی که با عنوان «اس تیج» شناخته می‌شود، در زمینه آموزش موسیقی آماده شده است. در نهایت اینکه زحمات آقای سریر در این بخش نیز این نتیجه را داشت.

در ادامه محرابیان از مدیران پلتفرم «اس تیج» در مورد آموزش آنلاین موسیقی در این مجموعه توضیحاتی را برای مخاطبان ارائه داد.

داوود گنجه‌ای نوازنده کمانچه نیز در ادامه این برنامه گفت: هر کس با بضاعت خود درباره محمد سریر صحبت کرد اما من می‌خواهم درباره موضوعی صحبت کنم که اکثرا مغفول واقع

گفت و گو با حسین بهروزی نیا به بهانه مستر کلاس عودنوازی و گروه نوازی



گفت و گو: ندا حبیبی

## تدریس عود در ایران دچار آشفتگی است

نیا که از ارکان کلیدی گروه دستان محسوب می‌شود جزو معدود هنرمندانی است که تجربه سالیان طولانی همکاری پایدار با یک گروه را در کارنامه خود دارد. در حاشیه مستر کلاس عود نوازی و گروه نوازی او که در خانه موسیقی برگزار شد از عوامل پایداری گروه، چالش‌های هنرمندان جوان در ارائه اثر هنری، تجارب بین المللی و... پرسیده ایم که در ادامه می‌خوانید.

حالا سالهاست که عود یا بربط ایرانی ساز مهجوری نیست. از زمانی که استاد منصور نریمان رنگ و بوی ایرانی به عود بخشید تا اکنون که هر یک از شاگردانش حق بزرگی بر گسترش نوازندگی این ساز دارند. «حسین بهروزی نیا» شیوه ایرانی نواختن این ساز را طی سالهای طولانی فعالیتش پرورانده و در اثبات لزوم رنگ این ساز در گروه نوازی ایرانی نقش پررنگی داشته است. بهروزی



به نظر می‌رسد ادامه این کارگاه خصوصا در زمینه آموزش روش تدریس بسیار ضروری است. موافقت؟  
بله قطعاً. متأسفانه الان نوازندگانی در کشور هستند که خوب هم ساز می‌زنند ولی جز روش خود هیچ روش دیگری را قبول ندارند و همان را به هنرجوهایشان تدریس می‌کنند. حتی در برخی شهرستانها نوازندگان تار و سه تار عود هم تدریس می‌کنند! و این آشفتگی عجیب وجود دارد. ببینید برای پیشرفت در هر زمینه‌ای نیاز به امتحان کردن راههای

این مجموعه کارگاه را چه طور دیدید؟

من مدتهای زیادی است در همه نقاط کشور مستر کلاس برگزار می‌کنم. این تجربه هم خیلی خوب بود برایم. چون همزمان آنالین و حضوری در حال تعامل با بچه‌ها بودم و خب اتفاق جدیدی بود. در مجموع سطح نوازندگی‌ها متفاوت بود و من بیشتر مفاهیم پایه‌ای را مطرح کردم تا مبانی برایشان روشن‌تر شود که اگر روزی خودشان هم خواستند تدریس کنند از مبانی اصولی غافل نشوند.

### چرا دیگر گروه‌هایی مثل دستان تشکیل نمی‌شود؟

گروه‌هایی که وابسته هستند به منابع دولتی تا زمانی که این پشتیبانی مالی دارند پابرجا هستند. حتی شما می‌بینید در گروهی مثل پایور از زمانی که پشتیبانی مالی وزارت فرهنگ و هنر سابق برداشته شد رفته رفته گروه از هم گسست. مسائل مالی در پایداری گروه‌ها بسیار موثر است. به طور مثال من وقتی به ایران برگشتم گروهی متشکل از نوازندگان بربط تشکیل دادم به نام بربطیان. هزینه تالار وحدت و هزینه‌های جانبی را خودم دادم حتی بچه‌های کار را هم دعوت کردم اما نصف سالن هم پر نشد. آیا این هزینه را من هنرمند باید بدهم؟ یا پشتوانه‌های دولتی و خصوصی باید باشد برای پروژه‌های فرهنگی؟ به محض اینکه یک پای خواننده پولساز وسط باشد سرمایه گذارها هجوم می‌آورند اما برای پروژه‌های هنری غیرتجاری هیچ پشتوانه‌ای نیست.

### با توجه به تجارب بین المللی شما در کشورهای دیگر در حوزه موسیقی کلاسیک اوضاع به چه نحو است؟

در کشورهای دیگر هم موسیقی کلاسیک مخاطب کمتری دارد. اما چه طور این موسیقی را زنده نگه داشته‌اند؟ چه طور تمام شب‌های سال ارکستر سمفونیک اجرا دارد؟ پشتوانه‌های دولتی. در آمریکا و کانادا برای شاخه‌های مختلف هنری و امور تجربی هنری کمک‌های بلاعوض (گرننت) اختصاص داده می‌شود. برای سفرهای پژوهشی یک هنرمند تراول گرننت پرداخت می‌شود. اینجا حتی اگر هنرمند خودش با هزینه شخصی بخواهد فعالیت کند آنقدر موانع عجیب و غریب و مراحل طولانی روبرویش هست که عموماً از خیرش می‌گذرد.

### توصیه شما برای یافتن کاراکتر هنری و هدفمند شدن هنرمندان جوان چیست؟

اینها تجربی‌ست و آموزشی نیست. تکنیک را می‌توان آموزش داد اینجا درست است و آنجا غلط. اما آنچه شما از سیاق هنرمند می‌گویید نیازمند سالها تجربه است. این بچه‌ها نهایتاً تکنیک را فرا بگیرند تازه باید بروند خاک صحنه بخورند بارها تجربه کنند، آزمون و خطا کنند تا به رشد و بلوغ برسند. کارهای خودشان را ضبط کنند و بارها و بارها بشنوند. من خودم از هفده سالگی کار کردم، رادیو تلویزیون، انتشار آلبوم، اجرا و... حتی هر بار که در استودیو ضبط می‌کردم بارها

گوناگون است. من معتقد نیستم که فقط راه من درست است ولاغیر. اما از روی تجربه چهل و چند ساله می‌گویم این شیوه امتحان پس داده و بسیار صیقل خورده است.

### برنامه‌های شما برای آینده در حوزه آموزش چیست؟

اخیراً دو کتاب منتشر کرده‌ام که نت‌نگاری دو اثر من است: از سنگ تا الماس و در سرای تنهایی. به زودی نیز کتاب ردیف میرزا عبدالله برای عود و بربط را روانه بازار خواهیم کرد. همچنین آموزش گروه نوازی نیز به صورت متنی و تصویری در حال تدوین هست.

### چه طور می‌توان هنرجویان را ترغیب به نوازندگی

ساز بربط با عود هیچ فرقی ندارد جز فیزیک ساز، مثل طول دسته و اندازه کاسه. من با کمک آقای قنبری مهر سعی کردم بربط ایرانی را احیا کنم

### بربط کرد؟

ساز بربط با عود هیچ فرقی ندارد جز فیزیک ساز، مثل طول دسته و اندازه کاسه. من با کمک آقای قنبری مهر سعی کردم بربط ایرانی را احیا کنم. حالا برخی معتقدند همان عود بهتر است و جز این نیست خب اگر این ساز قابلیت نداشت چرا من باید عمر زیادی صرفش می‌کردم؟ اما باید بگویم این ساز امکانات بیشتری دارد نسبت به عود. در نوازندگی اختیارات بیشتری می‌دهد و رنگ صدایش با دیگر سازهای ایرانی ما همخوانی بیشتری دارد. من سالیان سال با گروه‌های مختلف هم‌نوازی یا در کنسرت‌ها تک‌نوازی کردم در داخل و خارج از کشور. این ساز رنگ صدای خاص خود را دارد و به غنی‌تر شدن صدادهی موسیقی ایرانی کمک می‌کند.

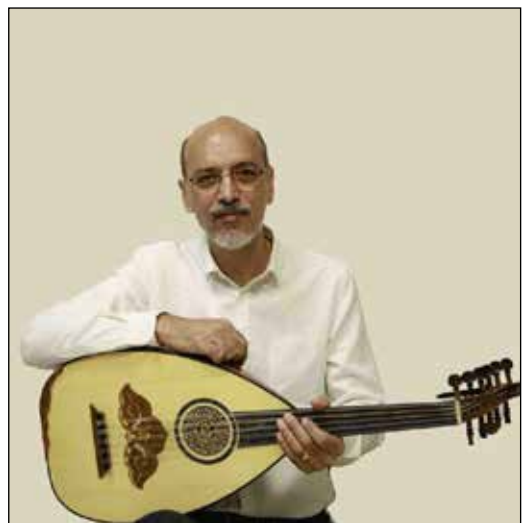
می‌آورند به تدریس. در حال حاضر جز چند نوازنده که با یکی دو خواننده مشهور کار می‌کنند و در طول سال اجراهای زیادی دارند بقیه دچار مشکل هستند.

### با این اوصاف آینده موسیقی ایران را چه طور می‌بینید؟

من با تمامی مشکلاتی که وجود دارد آینده موسیقی ایران را بد نمی‌بینم. چرا که آن تعداد محدودی که مجدانه پیگیر و علاقه‌مند هستند بالاخره روزه‌ها را پیدا می‌کنند و به فعالیت‌شان ادامه می‌دهند. در همین دوره‌های ما هم مگر کم بودند تعداد هنرجویانی که بعد از فارغ التحصیلی این مسیر را رها می‌کردند؟ مگر چند نفر می‌شدند حسین علیزاده؟ مابقی شاخص و سرآمد نمی‌شدند، صرفاً فقط نوازنده می‌شدند. الان تعداد علاقه‌مندان به موسیقی چند برابر شده است حالا راه بسیاری مواقع بسته است، اما ناامیدی وجود ندارد.

### تعداد جواب آوازهایی که با عود داریم از نظر کمی زیاد نیست اما گاهی آنقدر درخشان است که ظرفیت‌های این ساز را به خوبی منعکس می‌کند. نظر شما چیست؟

در قدیم که اصلاً عود جواب آواز نمی‌داد. رفته رفته از زمان آقای نریمان آغاز شد. ولی می‌توانم به جرئت بگویم من در این زمینه بیش از همه کار کرده‌ام. در داوری جشنواره موسیقی جوان هم همیشه تذکر داده‌ام در رده سنی هجده به بالا ما باید از شرکت کنندگان بخواهیم بداهه‌نوازی نکنند نه اینکه صرفاً حفظیات بزنند. نوازنده تکنیک عالی ردیف را هم حفظ است ولی بگویم یک قطعه از خودت بزن نمی‌تواند. من پانزده شانزده ساله بودم در هنرستان موسیقی و خیلی علاقه مند به صورت تخصصی ساز عود را دنبال می‌کردم. یک بار خانم پریسا که آن زمان خیلی مشهور بودند آمد بالای سر من گفت می‌خواهم بروم پیش آقای کریمی درس پس بدهم می‌آیی برویم جواب آواز بدهی؟ من اصلاً آن زمان نمی‌دانستم جواب آواز چی هست! اما جسارت داشتم و علاقه. گفتم بله می‌آیم یادم نمی‌آید آن روز چه نواختم و چه شد اما همین که در آن سالها ما این موقعیت را داشتیم در کنار اساتید بزرگ کار کنیم خودش راه را برایمان روشن می‌کرد. این اولین تجربه من از جواب آواز بود. بعد از آن مدام ساز و آواز گوش دادم و تا خم و چم جواب آواز دستم بیاید. گوش دادن بسیار، جسارت و ذوق درونی هنرمند را به پیش می‌برد.



می‌شنیدم تا اشکالاتم را متوجه بشم و مجدد تکرار کنم و راه درستش را پی بگیرم.

### به نظر می‌رسد ما با بحران در زمینه آهنگسازی موسیقی دستگامی مواجه هستیم.

این نقضی که می‌گویید حاصل بی توجهی این سالهای مسئولین امر است. همین امروز حدود چهار ساعت مهمان یک آموزشگاه مشهور موسیقی بودم. هنرآموزان کودک و نوجوان به روی صحنه می‌آمدند و قطعه‌ای می‌نواختند. متأسفانه تعداد بچه‌هایی که گیتار و هنگ درام و کاخون و ... می‌نواختند تعدادشان چندین برابر بچه‌هایی بود که تار و سه تار و عود می‌نواختند؛ این واقعاً زنگ خطر است و نشان دهنده غفلت این سالهاست. متأسفانه این بی‌توجهی ادامه‌دار است. این بچه که کاخون می‌نوازد این ساز را کجا دیده؟ از ماهواره و هزار جای دیگر. بچه‌ای که از کودکی در تلویزیون سنتور و سه تار و کمانچه ببیند خب علاقه مند می‌شود ناخودآگاه. حتی در شهرستانها اوضاع بهتر است. مثلاً در مازندران در شبکه تلویزیونی سازهای بومی را نشان می‌دهند خب بچه‌ها مشتاق شوند مثلاً نقاره یاد بگیرند اما درباره موسیقی سنتی دستگامی خودمان متأسفانه همچنان با غفلت زیادی روبرو هستیم.

از طرفی خیلی از جوان‌های با استعدادی که اتفاقاً تا موقعیت‌های بالای نوازندگی خود را رساندند سرخورده شدند. چون می‌بینند هیچ جایی وجود ندارد که هنرشان را عرضه کنند. چرخه اقتصادی هنرشان نمی‌چرخد در نهایت رو

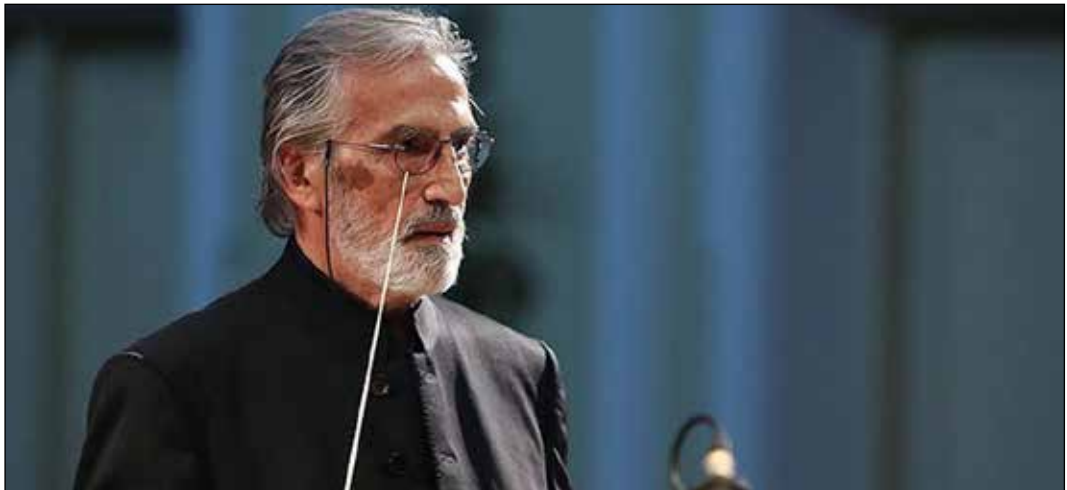
گفت و گو با فریدون شهبازیان

## «گلهای» جمع یک عده آدم حسابی بود

گفت و گو: ندا حبیبی

ایران وارد آمد. تاثیر قابل تامل «فریدون شهبازیان» که از جمله سرمایه‌های هنر موسیقی پدیدآمده از دوران مذکور است در روند موسیقی ارکسترال و آهنگسازی فیلم بردوست داران موسیقی ایرانی پوشیده نیست. در حاشیه مستر کلاس مبانی آهنگسازی و تحلیل و آنالیز دو اثر جام تهی و گریز گفت و شنیدی کوتاه با کاشف فروتن شوکران داشته ایم.

به نقل از حضرت حافظ گوی بیان جز به جمع شدن معانی میسر نشود! و این انگاره در خلق هنر هرگز قابل انکار نیست. از اواخر دهه چهل عوامل متعددی درهم آمیخته تا یکی از مهم ترین دوران تاریخ موسیقی ایران رقم بخورد. به جرئت می‌توان گفت پشتوانه تخصصی که در رادیو منجر به پیدایش برنامه گل‌ها شد و سپس سرمایه‌های ارزشمند جوانی را به هنر مملکت هدیه داد دیگر تجدید حیات پیدا نکرد و ضربه‌های جبران ناپذیری به موسیقی



می‌کردند ساعت‌هایی از روز کنار آن حوض دور هم جمع می‌شدند مثلا زنده یاد تجویدی.. خاطر هست تجویدی پشت جعبه سیگار پنج خط حامل می‌کشید و بلافاصله یک قطعه می‌نوشت، آنچه را نوشته بود می‌خواند برای بیژن ترقی، همانجا گفت و گوها شکل می‌گرفت و خروجی آن یک قطعه زیبا بود. گل‌ها آدم حسابی کم نداشت. گروهی از هنرمندان شاخص و درجه یک کنار هم بودند مثلا هوشنگ سنجر می‌آمد ویلنسل می‌زد یا رضا یآوری کلارینت می‌زد. خیلی‌ها آمدند و رفتند و آن فضا به وجود آمد ولی در نهایت از بین رفت و نسلی دیگر این چنین شکل نگرفت..

هر زمان صحبت از روزهایی پر فروغ برای موسیقی ایران به میان می‌آید بی تردید نام «گل‌ها» بر زبان هنرمندان و منتقدان جاری می‌شود... اینک روابط مالی تا چه حد در این زمانه موثر بوده است را اگر به کناری بگذاریم چه عوامل دیگری باعث این شکوفایی در هنر موسیقی شده بود؟ دلایل زیادی وجود دارد. اما شاید در یک جمله بتوان گفت همه اتفاقات خیلی درست و حرفه‌ای دست به دست هم داده بود. آن روزها در ساختمان رادیو که در میدان ارگ قرار داشت حوضی بود. کنار حوض پاتوق ما بود. کسانی که در رادیو کار

بود اما انرژی زیادی گذاشتم و کار بین مردم محبوب شد. اولین بار که محمد اصفهانی را دیدم آمده بود استودیو سر ضبط من. رضا فرهودی گفت بیا ببین یک جوانی آمده تو را ببیند. وقتی دیدمش و آشنایی شکل گرفت گفتم خب صدایت را باید بشنوم. روز بعد مرا به منزلش دعوت کردو با چند نفر از دوستانش چند کار برای من خواند. فهمیدم این کاره است از جنس صدا و لحن و ریتمش فهمیدم می‌تواند خواننده خوبی شود و برایش کار ساختم. طبیعتا او هم تلاش کرد و همکاری خوبی بین من و او از نسل جوان شکل گرفت.

**دلیل اصلی این گفت و گو کارگاه‌های تخصصی آهنگسازی بود که با حضور شما در خانه موسیقی برگزار شد و یک بخش از این کارگاه تحلیل آلبوم موسیقی جام تهی بود. از جمله آثار ارزشمند شما.. جام تهی از کجا و چه گونه خلق شد..**  
وقتی هوشنگ ابتهاج رئیس موسیقی رادیو شد من معاونش

تمام آن بزرگانی که من  
می‌شناختم که باید آهنگ  
بسازند یا باید الان فعال  
باشند در سالهای گذشته  
خانه‌نشین و منزوی شده‌اند  
، دیگر توان و رمقی برای کار  
کردن ندارند

بودم؛ سال ۱۳۵۱ آلبوم جام تهی را کلید زد و می‌دانستم خواندن این کار باید به عهده شجریان باشد، به هرحال کار سختی بود و هرکسی از عهده ش بر نمی‌آمد.  
شجریان پیش از آن کار دو آواز خوب خوانده بود یکی در برگ سبز با آقای ورزنده و مجد بود و آن روزها با نام «سباوش بیدکانی» مشهور شده بود.

در اتاق برنامه گل‌های تازه در کنار ابتهاج و بدیعی و بهادر یگانه نشسته بودیم که فریدون مشیری شعرش را به من داد؛ هنوز دستخطش را دارم و من برای این شعر این آهنگ را ساختم. شجریان آمد. تمام کارهای ما در استودیو ۸ رادیو شکل می‌گرفت. من برای شجریان اتود زد یعنی یک بار کامل برایش اجرا کردم و بعد او خواند.

بعد بدیعی و شجریان آن ساز و آواز شاهکار که همراه با

مشابه سوال شما بارها در ذهن من مرور شد. چه شد که این موسیقی از بین رفت؟ و در نهایت پاسخ من این بود  
همه چیز در این اتفاق نقش داشت  
از شرایط اجتماعی و تغییرات و محدودیت‌ها بگیر تا بسیاری اتفاقات دیگر..

**و من هربار بعد از این پرسش در ذهنم از خودم می‌پرسم حالا چه؟ نمی‌شود دوباره آن اتفاقات تکرار شود؟ نمی‌شود گل‌ها دوباره احیا شود؟**  
اگر آن هنرمندانی که من می‌شناختم دوباره کار کنند بله  
حتما..

اما تعدادی که در قید حیات نیستند آنهایی هم که هستند  
علاقه‌ای به کار کردن ندارند.  
تمام آن بزرگانی که من می‌شناختم که باید آهنگ بسازند یا  
باید الان فعال باشند در سالهای گذشته خانه‌نشین و منزوی شده  
اند ، دیگر توان و رمقی برای کار کردن ندارند.  
تنه‌کاری که می‌کنند تدریس است. که همان را هم عده‌ای  
به ندرت انجام می‌دهند.

**ارتباط فریدون شهنازیان با نسل جدید موسیقی چه گونه است؟ کارهای تازه را می‌شنوید؟ اصلا امیدی به این نسل تازه دارید**

امید که همیشه هست و غیر از این نیست. اما به لحاظ آموزش کیفیت مناسبی نداریم. آموزشگاه‌های موسیقی که فعالیت می‌کنند اکثریت هیچ صلاحیتی ندارند. این تدریسی که می‌کنند به درد نمی‌خورد، اصلا خروجی ندارد، بی‌فایده است بچه‌های جوان دست خالی باز می‌گردند. توصیه من به جوان‌ها این است که بدانند دقیقا چکار می‌خواهند بکنند برنامه‌ریزی کنند و زحمت بکشند.

کارهای جدید را هم می‌شنوم. گاهی مثلا در تاکسی کاری به گوشم می‌خورد که می‌گویم چه خوب ساخته شده.  
مثلا به تازگی کاری از یک خواننده‌ای شنیدم به نام علیرضا طلیسچی. ابتدای کار این بود بارون اومد و یادم داد..  
بسیار دوست داشتم و خواننده هم صدای گیرایی داشت..

**حالا که صحبت از امید شما به نسل جوان شد باید این را به سوالم اضافه کنم که مسیر پیشرفت تعدادی از همان جوان‌ها با آشنایی با شما رقم خورد. مثلا محمد اصفهانی که با ساخته‌های شما به دنیای موسیقی قدم گذاشت.. تیتراژ سریال معصومیت از دست رفته هنوز برای من حال و هوای غریبی دارد..**  
روی آهنگسازی معصومیت از دست رفته خیلی کار کردم. خیلی مورد ستایش قرار گرفت و همه دوست داشتند. فرصتم کم





جایگاهی برسد.

بداهه پردازی بی نظیر بود را اجرا کردند و در آن زمان همه انگشت به دهان ماندند.

**در این کارگاه تخصصی چند نفر از شما پرسیدند هنرمند چه طور باید ماندگار شود؟ رمز و رازش چیست؟ اصلا رازی در میان است یا نه؟**  
 هنرمند در موسیقی باید خودش را رها کند. قید و بندی نباید دست و پایش را بگیرد تا بتواند آفرینش هنری انجام دهد. اگر نوازنده ای باشی که صرفا بگویی خب می‌روم یک سازی می‌زنم و پولم را می‌گیرم و تمام! ماندگاری برای تو معنایی ندارد. آن چیزی که نامش هنر است و تا سالها ماندگار است نیاز به آزاداندیشی دارد.

به نظر من شجریان با آن آواز دفتر آواز را بست! یعنی آواز را به حد کمال اجرا کرد زیرا خواندن بر روی شعر نو بسیار مشکل است. از بدیعی هم خواستم تغییراتی در نوازندگی خود بدهد یعنی ژانر ویلن رمانتیک کلاسیک باشد. آن زمان بدیعی خیلی کم دیگر می‌نواخت به من لطف داشت و آمد آن ساز جلودانه را زد.

**محمدرضا شجریان زمانی به رادیو آمد که آنجا پاتوق غول‌های موسیقی بود. او هم که جوانی تازه کار..**

به طور کلی راه هنر بسیار دشوار است. اینکه هنرمند بتواند تمام مسیرش را به خوبی طی کند از مسیر منحرف نشود کار بسیار مشکلی است. برای همین است که تعداد هنرمندان ماندگار انگشت شمار است.

**چه طور توانست در فضای آن روزهای رادیو خود را ثابت کند؟**

اینطور نبود که بگویم شجریان به راحتی و یا مثلا با دوستی با ابتهاج کار در رادیو را شروع کرد. اصلا و ابدا! این‌طور نبود که مثلا شانس و الا بختی باشد، خیلی راه مشکلی را پیمود، من همیشه گفته‌ام تلاشگرتر از شجریان ندیده‌ام. تعارف هم ندارم..

**فریدون شهبازیان این روزها درگیر ساخت کار تازه‌ای هست؟**

برای جایگاهی که کسب کرد خیلی خیلی زحمت کشید. من به خاطر دارم ساعت ۱۱ شب از رادیو کارمان تمام می‌شد می‌دیدم شجریان دارد شال و کلاه می‌کند برود سفر.

**من دو اثر دارم که سالها پیش برای شجریان نوشته‌ام در چهارگاه. ولی متاسفانه قسمت نشد بخواند و حیف..**

می‌گفتم این موقع شب کجا می‌خواهی بروی؟ می‌گفت یک خواننده‌ای پیدا کرده‌ام در زایل، شنیدم فلان گوشه را خیلی خوب می‌خواند می‌خواهم بروم ببینمش. این طور پیگیر کار بود

همان سالها یک بار به پرویز مشکاتیان گفتم بگو محمدرضا بیاید این کارها را بخواند مشکاتیان گفت: کار تو را نخواند کار کی را بخواند؟ ولی خب افسوس زندگی اجازه نداد که اینها را بخواند.

حالا شما ببینید چند نفر در این سالها دیده اید که برای آموختن هر راهی را طی کنند؟ طبیعی است که او باید به چنین

اینها را فقط شجریان می‌توانست بخواند و نشد.. و حیف...



دکتر کیوان پهلوان  
پژوهشگر موسیقی

## موسیقی فلامنکو

و گیتار فلامنکو تشکیل شده است. خاصیتگاه این نوع موسیقی ایالت اندلس است، ولی مبدل به سمبل موسیقی اسپانیایی و حتی به طور کلی فرهنگ اسپانیایی شده است. این نوع موسیقی شامل تکنیک‌ها و تونک‌های جالبی است. البته کاربرد لغت توکه غلط مصطلح است زیرا معنی این کلمه نوازندگی گیتار می‌باشد و بهتر است از کلمه پالو (معادل دستگاه در موسیقی ایرانی) استفاده شود. بعضی از این پالوها عبارت‌اند از بولریاس، رومبا، الگریاس، فاروکا و غیره.

فلامنکو (به اسپانیایی: Flamenco) سبکی از آواز، موسیقی و رقص اسپانیایی است. این نوع موسیقی تحت تأثیر سبک‌ها و فرهنگ‌های مختلف به شکل امروزی درآمده است و می‌توان گفت که بیشترین تأثیر خود را از کولیهای اسپانیا گرفته است. در شکل‌گیری و تکامل این سبک نمی‌توان از تأثیرگذاری موسیقی مورها و مسلمانان شمال آفریقا و حتی موسیقی عربی و موسیقی لاتین چشم‌پوشی کرد. فلامنکو در حقیقت از ۳ قسمت رقص فلامنکو، آواز فلامنکو

کدام بیان‌کننده تاریخ، داستان یا افسانه‌ای می‌باشد که برای بیان کردن آن‌ها از حرکات و فرم‌های بخصوصی استفاده می‌شود. این رقص شباهت‌های بسیاری به رقص اعراب دارد. با مروری بر تاریخ جهان در می‌یابیم که اسپانیا و اندولساندلس

موسیقی فلامنکو، موسیقی سنتی اسپانیا همانند تمامی موسیقی‌های دیگر در جهان دارای رقص و علائم مخصوص به خود می‌باشد که این موسیقی و رقص، آن را از انواع دیگر موسیقی متمایز می‌سازد. حرکات دست و پا در فلامنکو هر



این شکل هنری بوده‌اند؛ اما آن‌ها تنها دارای یک فرهنگ شفاهی هستند. آوازهای محلی‌شان از طریق اجرای مکرر آن در مجالس اجتماعی به نسل جدید منتقل شده‌است. این طبقات فقیر غیر چادرنشین جامعه اندولسی به‌طور کلی بی‌سواد بودند.

موسیقی فلامنکو در گذر زمان دارای تغییراتی شده است و تا به امروز نیز در حال تغییر و تحول بوده‌است. نسل‌های جدید فلامنکو، سبک‌های جاز و دیگر سبک‌های آفریقایی و برزیلی را با فلامنکو مدرن ترکیب کرده‌اند. فلامنکو یکی از فرم‌های جذاب موسیقی در جهان است.

پیشنهادهای زیادی در مورد تاریخچه فلامنکو موجود می‌باشد؛ اما هیچ سند محکمی در این مورد وجود ندارد. کلمه فلامنکو تا اواخر قرن ۱۸ به عنوان موسیقی یا رقص ثبت نشده بود. کلمه اسپانیایی فلامنکو ممکن است مشتقی از آتش و شعله به زبان اسپانیایی باشد که به دلیل سبک آتشین و تن آواز خواندن در آواز فلامنکو است.

### پائولو

پائولو به استایل‌های نوازندگی می‌گویند. به پائولو، توکه نیز می‌گویند که توکه اشتباهی است که در بین مردم به اشتباه استفاده می‌شود و در حقیقت توکه در زبان اسپانیایی به معنای نوازندگی گیتار می‌باشد. پائولوها در موسیقی فلامنکو با توجه به نوع آکوردهای

(به اسپانیایی: Andalucía) یکی از ۱۷ بخش خودمختار کشور اسپانیا است. پایتخت آن شهر سبیا یا سویل است. مسلمانان به مدت ۷۸۱ سال (از سال ۷۱۱ تا ۱۴۹۲) بر اندلس و نقاط دیگر اسپانیا حکومت کردند. در این دوران تاریخ‌نگاری مسلمانان در اندلس رشد چشمگیری یافت که اوج آن توسط خاندان رازی است. ابداعات علمی و فرهنگی عالمان اندلسی بر رشد فرهنگی و صنعتی ملل مغرب‌زمین تأثیر غیرقابل انکاری داشته‌است؛ چنان‌که نهضت ترجمه علمی اروپا از اندلس آغاز شد؛ هرچند با سیطره اسپانیایی‌ها بر اندلس و برقراری دادگاه‌های تفتیش عقاید کلیسای کاتولیک اسپانیای آن دوران در شهر غرناطه یا همان گرانادا، رونق علوم و فنون اسلامی در اندلس از میان رفت. مدتی در تصرف اعراب بوده‌اند و اعراب پس از بیرون رفتن از اسپانیا بعضی از فرهنگ‌های خود را در اسپانیا به یادگار گذاشتند که بسیاری از این فرهنگ‌ها را در معماری بناها در اسپانیا، موسیقی و رقص آن‌ها به وضوح می‌توان مشاهده کرد. منشأ این نوع موسیقی از طبقات پایین جامعه اندولسی سرچشمه گرفته بود.

از این رو، موسیقی از وجهه هنری لازم در میان طبقات متوسط و بالاتر جامعه برخوردار نبود. فرهنگ فلامنکو حاکی از شورش مردم تحت ستم است. اقوام مسلمان شمال آفریقا ملقب به مورها، اقوام خیتانو و یهودیان که همگی در گذشته از سوی تفتیش عقاید کلیسای اسپانیا مورد اذیت و آزار و تبعید واقع شده‌اند. اقوام خیتانو اساساً پایه‌گذار اولیه

عکس، گیتار و سازی از خانواده گیتار به نام باندولا *bandola* است.

می توان گفت قبل از آن، اولین شکل های اجرای فلامینکو، کانتسه هوندو که به معنی صدای انسان (آواز خواندن) به همراه دست زدن، می باشد. پس از این مرحله و اختراع ساز گیتار و انواع آن به این موسیقی اضافه شد ساز ضربی آن سازی که در پایین می بینید، بوده است.

### سبک قدیم و جدید فلامینکو

سبک قدیم و جدید بیشتر، فقط در سبک نواختن گیتار مشخص می شود.

پیه پیئتو *pepe pito* از سبک قدیم پیروی می کرد و *Paco de Lucia* بنیان گذار سبک نوین نواختن گیتار فلامینکو است. با او فضای نواختن تغییر می کند.

استفاده شده، گام و منطقه به وجود آمدن آن در اسپانیا از هم تمیز می شوند.

در موسیقی فلامینکو بیش از ۵۰ پائولو وجود دارد که معمولاً ۱۲ عدد آن معمولاً اجرا می شود. بعضی از این پائولوها در تکنوازی استفاده می شوند؛ اما اکثر آن ها همراه با آواز یا رقص است. چند مورد از این پائولوها به قرار زیر است:

آلگریاس، بولریاس

*bulerias por solea*

فاندانگوس، فاندانگوس هوئلو، اگرانایناس

مالاگوئین، مینراس، سویاناس، تانگوس

سیگریاس، رومبا، تینتوس

### شکل اجرا و سازها

عکس زیر از عکس های قدیمی فلامینکو است. در این



### منابع :

Harper, Douglas. «flamenco». واژه نامه ریشه شناسی زبان انگلیسی

--- ویکی پدیا

--- مصاحبه با بانو دینا مهربانفر ساکن اندلس اسپانیا و دانش آموخته ادبیات اسپانیایی



صابر جعفری

## تاثیر هوش مصنوعی بر آینده موسیقی ایران و جهان



مانند عبور از باروک به کلاسیک یا ورود به رنسانس. و در آن زمان بتهوون برای اولین بار آواز و کلام را در سمفونی وارد می کند. در آخرین سمفونی اش. و در ادامه بسیاری از سمفونی ها پیروی می کنند و به مذاق تاریخ هنر خوش می آید و ماندگار می شوند.

پس از شنیدن صدای بیلی آیلیش به جای شجریان نترسیم. نترسیم از نوازنده شدن ربات ها. نترسیم از آهنگسازی یک سمفونی توسط یک هوش مصنوعی. نترسیم از اینکه یک خط داستانی و شخصیت تعریف شده ای را به هوش مصنوعی بدهیم و در عرض چند ثانیه موزیک ویدئوی مورد نظر ما را تحویل دهد. همواره در سیر تغییر یک مکتب و دوره هنری موضع گیری های شدید از سوی پیشکسوتان آن مکتب صورت می گیرد و پیش روهایی که موافق با عبور از آن مکتب و نوآوری هستند با آنها در حال نزاع و مبارزه اند.

و هیچ دوره ای و هیچ مکتبی به مکتب دیگر برتری نگرفت. اما تعداد پیروان آن مکتب باعث حفظ و ماندگاری بیشتر آن شده است.

برای مثال در عصری که از آن عبور کرده ایم نزاع بین پست

همواره تاثیر تکنولوژی و اختراعات و ابداعات در طول تاریخ، دوره ها و مکتب های متفاوتی را به وجود آورده اند.

اما آیا هنرهای دوره های پیشین فراموش شده اند؟ و با ورود هوش مصنوعی به هنر در آینده دیگر کسی به کنسرت نمی رود و کسی برای نوازنده و خواننده شدن و آهنگساز شدن تلاش نمی کند؟

این سؤالاتی است که در چند ماه اخیر با شدت گرفتن ورود هوش مصنوعی به زندگی انسان نه تنها در موسیقی بلکه در تمامی هنرها و مشاغل طرح می شود.

برای مثال وقتی اولین رمان ها منتشر شد اغلب معتقد بودند کسی دیگر شعر نمی خواند.

اما همچنان شعر جایگاه خود را در میان جوامع حفظ کرده است و رمان هم خواهان خود را دارد.

اما سوال اینجاست که آیا اختراع چاپ و روند صعودی پیشرفت در هنرها در قرن های گذشته به اندازه سرعت پیشرفت تکنولوژی در عصری که ما زندگی می کنیم هست؟

این سؤالی است که پاسخ آن مشخص نیست چون دقیقاً در پیچ تاریخی قرار داریم که تغییرات در حال گذر است و زمانی است

و خواننده و نوازنده مجوز گرفت یا با یک کلیک آهنگی که خلق کرده ایم یا به کمک هوش مصنوعی تولید کرده ایم به گوش تمام مخاطبان ما خواهد رسید؟

آیا باید باز سلیقه تهیه کننده به آهنگساز و خواننده غالب شود برای تهیه و تولید و اجرای یک آلبوم موسیقی یا کنسرت یا به راحتی هنرمندان می توانند انتخاب کنند که مخاطب چه بشنود و در کدام سالن به صورت مجازی یا واقعی کنسرت شان را ببیند؟

آیا درآمدی از پخش موسیقی به هنرمند خواهد رسید که انگیزه تولید بیشتر را داشته باشد یا آنقدر هوش مصنوعی کارهای خوب و رایگان در اختیار مخاطب قرار میدهد که دیگر نیازی نیست کسی برای شنیدن آهنگ مورد نظر خود در پلتفرم‌های پرطرفدار امروز حق اشتراک بدهد؟

همه این‌ها در آینده‌ای نزدیک اتفاق می افتد اما تعاملات انسانی بیش از پیش شکل می گیرد.

با ورود هوش مصنوعی به زندگی انسان، انسان‌ها به یکدیگر نزدیک می شوند و با گفتگو و رابطه نزدیک احساسات عمیق تری را تجربه می کنند و هوش مصنوعی زندگی را برای ما راحت تر خواهد کرد مگر اینکه با آن کنار نیاییم و تمام عمر کوتاه خود را صرف مبارزه با نبودنش کنیم.

مدرنیسم و آوانگارد‌ها را دیده ایم و آن قدر تعداد آوانگارد‌های زنده بیشتر است که گاهی احساس می کنیم اگر به مدرنیسم و پست مدرنیسم علاقمند باشیم عقب مانده حساب می شویم.

در آینده‌ای نزدیک شاهد این مورد برای نزاع و مبارزه جمعی که با هوش مصنوعی موافقت با آنها که آن را نمی خواهند هستیم. که آغاز آن را در زندگی تک تک خود احساس می کنیم. اما این دوره خیلی زود می گذرد چون یارای مقابله با آن توسط انسان وجود ندارد و همان گونه که با دوره‌ها و مکتب‌های پیش به سرعت خود را وفق داده این بار نیز به زودی این دوره هنری را شاهد خواهیم بود.

دنیایی که قابل تشخیص نخواهد بود که آهنگی که می شنویم توسط هوش مصنوعی ساخته و تنظیم و میکس شده یا انسان آن را خلق کرده؟

خواننده‌ای که می خواند ربات است یا انسان؟ نوازنده‌ای که در آهنگی که می شنویم واقعی است یا مصنوعی؟

موزیک ویدئویی که میبینیم با احساس انسانی درست شده یا حاصل برنامه ریزی کدهای هوش مصنوعی است؟

پخش موسیقی چگونه خواهد شد؟ آیا باید باز هم به وزارت فرهنگ رفت و برای شعر و آهنگ



## مروری بر نخستین دوره برگزاری درس آهنگ امید به بازگشت نظام استاد و شاگردی



نیز هم‌نشینی نسل جوان با بزرگان در محافل خصوصی و عمومی کم و کمرنگ‌تر شد و چنین رویه‌ای منجر به ظهور روش‌های بی‌اساس و پشتوانه در آموزش هنر موسیقی شد. پراکندگی متدها در بحث آموزش تئوری موسیقی و گوشه‌گیری و انزوای اساتید بزرگ در بحث پرورش کاراکتر هنری هنرجویان مهم‌ترین نقص سیر آموزش در این سالها بود.

از اواسط دهه هفتاد با برگزاری برخی کارگاه‌های آموزشی با تمرکز اساتید بزرگی همچون محمدرضا شجریان به بازگشت جریان هم‌نشینی نسل‌ها قوت بخشیده شد و همچنین مراکزی مانند مکتب خانه میرزا عبدالله با محوریت محمدرضا لطفی و مستر کلاس‌های پرشمار حسین علیزاده در شهرستان‌ها نقص مذکور را تا حدودی جبران کرد. تابستان هزار و چهارصد و دو خانه موسیقی ایران به برگزاری اولین دوره سلسله کارگاه‌های آموزشی جهت

از آن زمانی که سالار معزز به وزارت فرهنگ وقت، پیشنهاد تاسیس کلاس موسیقی در دارالفنون را داد تا به روش علمی هنرجویان را بپرورد، اکنون صد و ده سال می‌گذرد. مسیر آموزش موسیقی در ایران در عین فراز و نشیب‌های فراوان با قوت ادامه پیدا کرده است و در حال حاضر با وجود انتقاداتی که به کیفیت آموزش در ایران وجود دارد بارقه‌های امید درخشان در این وادی به چشم می‌خورد.

علاوه بر ساز و کار کارت صلاحیت تدریس، فراهم آمدن امکانات مجازی برای تدریس به گستردگی و استانداردسازی آموزش کمک شایانی کرده است.

از آنجایی که موسیقی ایران از اوایل دهه هشتاد با نوعی از هم‌گسستگی نسلی روبرو شد به نوعی بحث انتقال تجارب هنری از نسل‌های پیشین به نسل جدید به بیراهه رفت. سنت دیرینه انتقال مفاهیم از طریق سینه به سینه و

ماند و نیاز به تکمیل آن در آینده به شدت احساس می‌شود. چرا که در حال حاضر موسیقی ایرانی با ضعف شدید در این زمینه مواجه است.

در کارگاه سه تار نوازی استاد شعاری حضور پرشور و پر تعداد هنرجویان نشان از پتانسیل بالای نسل جوان در حفظ و اشاعه موسیقی ایرانی دارد که اگر از این ظرفیت به درستی بهره برداری شود می‌توان به آینده موسیقی دستگاهی ایران امیدوار شد. کارگاه‌های سازسازی نیز به این خاطر که برای نخستین بار به صورت منسجم تشکیل می‌شد به ایجاد شبکه ارتباطی سازسازان یاری رسانده و از باعث یکپارچگی متدهای ساخت ساز در اذهان هنرجویان شد.

کارگاه‌های بهداشت صدا، فلسفه موسیقی و مضامین تئوری مطرح شده در دیگر کارگاه‌های درس آهنگ به تفکر پایه‌ای شکل‌گیری این دوره برمی‌گردد و این موضوع در زمانه کنونی که آموزش دچار سطحی‌نگری شده است، جای تحسین دارد.

در آخر باید اذعان داشت برگزاری و اداره هر رویدادی قطعا با دشواری‌ها و کاستی‌هایی همراه است که اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد اما در برهه کنونی که موسیقی ایران از جنبه‌های کمی و کیفی دستخوش تحولات ناخوشایندی است، بی‌شک ادامه مسیر علمی و حساب شده در امر آموزش ضروری و حیاتی می‌نماید.

راهگشایی هنرجویان و هنرمندان در رشته‌های گوناگون همت گماشت. حضور اساتید مطرحی همچون: فریدون شهبازیان، مسعود شعاری، حمیدرضا ادزلان، حسین بهروزی نیا، محمود فرهمند و... از سویی و فراهم آمدن امکان برگزاری آنلاین به صورت همزمان از سویی دیگر باعث استقبال علاقه‌مندان از سرتاسر کشور شد. گوناگونی مباحث مطرح شده در حوزه آهنگسازی موسیقی ایرانی و موسیقی جهانی و نیز فن سازسازی نقطه قوت این دوره به شمار رفت. به طور مثال به دلیل هنرجویان پرشمار کودک و نوجوان در شاخه نوازندگی پیانو سردرگمی مریبان در مدیریت بهینه آموزش به این نسل، نوعی سرخوردگی را در این گروه به وجود آورده است که در کارگاه پروفیسور کلارا بوکوچوا به این موضوعات به طور مفصل پرداخته شد. در کارگاه آهنگسازی استاد شهبازیان، هنرجویان با مقدمات آشنا شده و البته شنیدن مباحث تاریخ معاصر به گشایش راه آنها در پرورش ذوق و استعداد کمک کرد. گرچه مبحث آهنگسازی در موسیقی ایران به قدری مفصل است که جز با ادامه‌دار بودن این کارگاه‌ها طی سالیان نمی‌توان به نتیجه مطلوب رسید.

گروه‌نوازی موسیقی ایرانی که مبحثی کاملا کمتر پرداخته شده است در کارگاه حسین بهروزی نیا به صورت کاملا اصولی مطرح شد و البته مباحث در حد مقدمات باقی





## درگذشتگان تابستان ۱۴۰۲

جرس فریاد می‌دارد که بریندید محمل‌ها...  
در تابستان ۱۴۰۲ همچون سایر روزها و ماه‌ها و سال‌ها  
داغدار عزیزی از خانواده محترم موسیقی بودیم.

### سید امیر آهنگ نقیبی هاشمی

از جمله اعضا خانه موسیقی و مدرس  
و نوازنده ویولن کلاسیک در تیرماه به  
دلیل بیماری قلبی دارفانی را وداع گفت.



### ریما نوزاد

ریما نوزاد، هنرمند پیشکسوت خواننده  
گروه کر ارکستر سمفونیک تهران در  
تابستان امسال درگذشت.



متولد شد. او در سال ۱۳۳۰ توسط دایی‌های خویش مرتضی و  
مصطفی گرگین زاده به «حسین تهرانی» معرفی شد. در سال  
۱۳۳۷ در گروه‌های موسیقی مشغول به کار شد و در ارکسترهای  
موسیقی ملی و گروه تنبک شروع به همکاری کرد و بعد از ۵ سال  
برای اجرای برنامه‌های موسیقی ملی و هر چه بیشتر شناساندن  
آن به کشورهای آفریقایی، آسیایی، اروپایی و آمریکایی مسافرت  
کرد و برنامه‌هایی اجرا نمود. از سال ۱۳۴۳ در هنرستان موسیقی  
ملی مشغول تدریس شد و در سال ۱۳۴۵ سرپرستی گروه تنبک  
وزارت فرهنگ و هنر آن زمان را عهده‌دار شد.

همچنین مراسم تشییع پیکر زنده یاد استاد «محمد اسماعیلی»  
۲۵ مرداد ماه و ساعت ۱۰ صبح از مقابل تالار وحدت برگزار شد.

### پیمان گودرزی

از اعضا کانون مدرسان و از اعضا خانه  
موسیقی در تابستان امسال دارفانی را وداع  
گفت.



### محمد خماریان

محمد خماریان متولی از جمله  
سازندگان ساز در تیرماه بدرود حیات گفت.



### دکتر نعمت احمدی

در روزهای انتهای تابستان شنیدن  
خبر درگذشت دکتر نعمت احمدی  
حقوقدان و وکیل دادگستری اهالی هنر را  
در بهت و حیرت فرو برد. کسی که در تمام  
این سالها همراه و حامی هنرمندان بود و  
از هیچ کمکی دریغ نکرد.



### پروین نوری وند

بانو «پروین نوری وند» خواننده آثار  
ماندگاری همچون غوغای ستارگان، پیک  
سحری، درد عشق، ۱۹ مرداد ماه و در  
سن ۸۵ سالگی درگذشت



### دکتر «کامبیز مصطفی پور»

دکتر «کامبیز مصطفی پور» شهردار  
اسبق منطقه ۱۴، نوازنده تار، عضو کانون  
مدرسان خانه موسیقی ایران و عضو هیئت  
مدیره خانه موزه دکتر معین و استاد  
امیرجاهد در اولین روزهای پاییز دارفانی



### محمد اسماعیلی

استاد «محمد اسماعیلی» نوازنده  
پیشکسوت تنبک و موسیقیدان ۲۲  
مرداد ماه بعد از تحمل یک دوره بیماری  
درگذشت



را وداع گفت.  
روح تمام رفتگان شاد...

استاد محمد اسماعیلی با نام اصلی  
«محمد علی اسماعیلی متین» ۴ شهریور سال ۱۳۱۳ در تهران



کتابخانه ملی آوازهای ایران

[www.iranhmusic.ir](http://www.iranhmusic.ir)